

لازم دانستم پرده‌ای از گذشته بردارم تا شما را بتمدن اعراب مسلمین و اروپائیان توجه دهم تا حقیقت آشکار گردد.

هدیه فرستادن هارون ساعت
ساخت مسلمین را برای
شارلمان

خودتان میدانید که قرن هفتم و هشتم میلادی بواسطه خدمات بزرگ شارلمان امپراطور مقتدر فرانسه اروپا سر و صورتی بنخود گرفت مع ذلك در همان زمان وقتی روابط خود را با دربار خلافت اسلامی بغداد (هارون الرشید عباسی) محکم نمود تحف و هدایائی بین شارلمان (در مرتبه اول) و خلیفه هارون الرشید رد و بدل شد من جمله از تحف و هدایائی که هارون در عوض برای شارلمان فرستاد علاوه بر جواهرات و البسه فاخر و پارچه های بافت مسلمین عرب و قیل بزرگی که اروپا ندیده بود و ساعت بزرگی بود که فرانسوی ها بر سر در عمارت سلطنتی خود نصب نمودند و آن ساعت از هنرمندی عربهای مسلمین بود که اوقات ۲۴ ساعت را با زدن زنگها که با افتادن دانه های فلزی در جام بزرگ زرین معین مینمود. دانشمندان فرانسوی دربار شارلمان بلکه تمام اهالی پاریس (پای تخت متمدن امروز اروپا) نتوانستند از حقیقت و چگونگی آن صنعت بزرگ سر در آورند چنانچه کوستا لوبون در تمدن العرب و دیگران از دانشمندان و نویسندگان اروپا ثبت نموده اند. اگر بنخواهید بهتر بمیزان تمدن اروپا در مقابل تمدن اعراب مسلمین پی ببرید تاریخ زمان شارلمان و قضیه ساعت ساخت مسلمین را مطالعه نمائید تا کشف حقایق بشود. که مینویسند وقتی ساعت را در برج بزرگی بالای سر در عمارت سلطنتی گذاردند و روپوش از بالای آن برداشتند مردم پاریس حرکت عقربه های ساعت را دیدند باچوب و چماق و انواع هر بدها بطرف عمارت سلطنتی حمله نمودند. خبر بشارلمان دادند که ملت باعصبانیت تمام حمله بعمارات سلطنتی نمودند. درهای عمارات را بسته و زراه و دانشمندان دربار را برای تحقیق علت این عمل ملت فرستادند.

پس از گفتگوی بسیار معلوم شد نظر بدی بمقام سلطنت ندارند بلکه میگویند سالها کشیشها بما گفتند از شیطان دشمن بزرگ بشریت باید دوری نمائید ما پیوسته

عقب این دشمن بزرگ بودیم که در کجا باودست پیدا کنیم و خود را از شر او نجات دهیم تا در این موقع که این برج ساخته شده می بینیم شیطان در داخل برج حرکتی میکند که ما را اغواء نماید لذا ما برای خراب کردن برج و کشتن دشمن بزرگ عالم بشریت حمله نموده ایم !!!

تا چار دسته دسته از بزرگان ملت را بیالای برج برده وضع ساعت و هنرنمایی مسلمین را بآنها ارائه دادند آنها برای ملت تشریح نمودند آنگاه ملت با عذر خواهی و پوزش از مقام سلطنت متفرق گردیدند.

پس شما نفرمائید مسلمانان از اروپائیان عقب بودند خیر عقب نبوزند بلکه عقب ماندند از همان روزی که غربیها بیدار شدند و در مدارس علم و هنر مسلمین مانند آندلس و قرطبه و اشبیلیه و اسکندریه و بغداد و غیره اخذ علوم و صنایع و حرف نمودند در پی سعی و عمل رفتند و باوج ترقی و تعالی رسیدند.

مسلمانان مغرور تنبل و تن پرور شدند و خمود پیدا نموده عقب ماندند تا باین روز رسیدند که می بینیم والا ما همه چیز داشتیم ولی امروز فقیر همه چیز شده ایم بقول ادیب دانشمند حافظ شیرازی ما که گوید.

سالها دل طلب جام جم از ما میکرد آنچه خود داشت زیبگانه تمنا میکرد

از اینها گذشته ترقیات علمی و صنعتی شما مربوط بحضرت عیسی علیه السلام نمیباشد بلکه در اثر سعی و کوشش مردمان غربی از ده قرن بعد از صلب حضرت مسیح (بعقیده شما) آنها از برکات مسلمین عرب و نشریات آنها بوده.

البته در این موضوع صحبت بسیار نمودیم تا رسیدیم باین جا که گفتیم فرق پیشوایان مسلمین با تمام اهل عالم و دانشمندان معروف دنیا اینست که اینها با اسباب کشفیات میکنند و آنها بدون اسباب.

برای مدعای خود چند خبر از ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین راجع بحیوانات ذره بینی خواندم که در زمانیکه ذره بینها و میکروسکوپها در عالم وجود نداشت (یعنی در هزار و سیصد سال قبل) پیشوایان بزرگ اسلام ائمه از عترت پیغمبر عظیم الشان ما با

چشم غیر مسلح بالآت و ادوات ظاهره حیوانات ذره بینی را دیده و بما معرفی و امر باختراز از آنها نمودند .

شما ها امروزه مباهات مینمائید که بوسیله تلسکوپها و دوربینهای قوی از کرات جوّیه و موجودات هوائی و مخلوقات در کواکب و ستارگان فی الجمله اطلاع پیدا نموده اید . ولی در هزار و سیصد سال قبل پیشوای دوم مسلمین و معلم ثانی اسلامیان امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه الصلاة والسلام بدون اسباب و وجود تلسکوپ و دوربین های بزرگ از کرات آسمانی طبق هیئت جدید خبر داده آنگاه همین خبری که امشب بعرضتان رسانیدم برای ایشان خواندم که آنحضرت فرمود **هذه النجوم التي في السماء مدائن مثل المدائن التي في الارض .**

مسیوژوئن - (بعد از قدری سکوت و تفکر) خبر را یادداشت نموده و گفتند خواهش میکنم نام کتابهایی که این خبر را ضبط و ثبت نموده اند بمن بدهید گفتم و نوشتند آنگاه گفتند در لندن و پاریس بزرگترین کتابخانه های مهم دنیا موجود است حتی نسخه های خطی هر کتابی در آنجا هست من اول بلندن میروم و بعد پاریس در کتابخانه ها این کتابها را دقیقانه تحت نظر میگیریم و با دانشمندان و مستشرقین مطلب را مورد بحث قرار میدهم اگر دیدیم تاریخ تألیف این کتابهایی که شما ذکر نمودید قبل از پیدایش تلسکوپها و دوربین های آسمانی بوده بشما قول شرف میدهم و خدای عیسی عليه السلام و محمد صلى الله عليه وآله بین من و شما گواه باشد که بعد از تحقیق و فهمیدن مطلب مسلمان میشوم .

زیرا قطعاً گوینده چنین خبری بدون اسباب در هزار سال قبل چشم دنیائی نداشته و حتماً چشم ملکوتی داشته دارای قوه الهی بوده پس دین اسلام با چنین پیشوائی حتماً دین حق آسمانی میباشد که خلیفه و جانشین پیغمبر اسلام دارای چنین قوه و علمی مافوق قوای بشریت بوده - انتهى (۱)

(۱) بعد از مراجعت از سفرنامه ای از ایشان رسید با تصدیق بر مراتب فوق و حقیقت خبر اظهار اسلام و اقرار بشهادتین و اعتراف بحقیقت اسلام نموده بودند .

آقایان محترم جائیکه بیگانگان ندیده و نشناخته بدون حب و بغض فقط روی قاعده و مبنای علمی چنین حکمیت نمایند .

ما و شما باید بطریق اولی این راه را بیمائیم و روی همین دو قاعده هر کس را لایق پیغمبری و واجد شرایط دیدیم پیروی از او بنمائیم .

و هم چنین است مقام خلافت و جانشینی پیغمبر صلى الله عليه وآله که اگر با دیده انصاف و بصیرت بنگریم و از غرض رانی و تعصب خارج و لباس عادت را از تن بیرون کنیم میفهمیم بعد از رسول خدا صلى الله عليه وآله در میان صحابه احدی لیاقت این معنی را نداشته که ازهد و أعلم و أفضل بعلاوه اعلا نسباً از مولا امیر المؤمنین عليه السلام باشد .

چه آنکه آنحضرت بعد از رسول اکرم صلى الله عليه وآله جامع جمیع فضائل و کمالات بوده علوم اولین و آخرین در نزد آن بزرگوار بوده و جمیع علوم

جمیع علوم منتهی بعلی عليه السلام میشود

که در میان خلق متعارف است از حکمت و کلام و تفسیر و قرائت و صرف و نحو و فقه و هندسه و طب و نجوم و عدد و جفر و حساب و شعر و خطبه و موعظه و بدیع و فصاحت و لغت و منطق الطیر تمام با آنحضرت منتهی میشود .

در جمیع این علوم یا آنحضرت مبتکر بوده یا تشریح عالم نموده و در هر علمی کلام خاصی بیان فرموده که اهل آن فن آنکلام را مصدر قرار داده و بعدها هر چه در آن فن گفتگو کرده اند شرح بر کلام آنحضرت بوده است .

مانند آنچه به ابوالاسود دثلی در علم نحو فرمود که کلمه اسم و فعل و حرف است و نیز باب این و باب اضافه و باب اماله و باب لغت و عطف را مرسوم داشت و تقسیم اعراب بر رفع و نصب و جر و جزم ، دستور اصولی است برای حفظ عبارات از غلط از طرف آنحضرت صادر گردیده است .

اگر شما صفحات او را دریاچه کتاب شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی را دقیقاً بخوانید خواهید دید که این عالم منصف چگونه تصدیق بتمام این

اعتراف ابن ابی الحدید بمقامات علمیه علی عليه السلام

معانی نموده و مقام علمی آنحضرت را ستوده صریحاً در ص ۶ گفته .

وما أقول في رجل تعزى اليه كل فضيلة و تنتهى اليه كل فرقة و تتجاذبه كل طائفة فهو رئيس الفضائل و ينبوعها و ابو عذرها و سابق مضمارها و مجلى حليتها كل من بزغ فيها بعده فمنه اخذ وله اقتفى و على مثاله احتذى (۱) .

علم فقهاء اربعه ابوحنيفه - امام مالك - امام شافعى - امام حنبل را از آنحضرت میدانند و گوید فقهاء صحابه فقه را از علی آموختند .

چون امشب مجلس ما خیلی بطول انجامیده بیش از این مقتضی نیست که بنقل تمام گفتار و بیانات آن عالم بزرگ خودتان شما را مشغول سازم .

لازم است مراجعه نمایند به دیباچه شرح نهج البلاغه آن مرد بزرگ منصف تا مبهوت شوید از شهادت و تصدیق و ازغان و اعتراف عالم مورخ منصف از جماعت خودتان که گوید امر علی عليه السلام عجیب است که در تمام عمر کلمه لادری بر زبان او جاری نشده پیوسته همه علوم در نزد او حاضر بوده تا آخر جملات که گوید و هذا يكاد يلحق بالمعجزات لان القوة البشرية لا تفي بهذا الحصر و لاتنهض بهذا الاستنباط (۲) .

اگر بخواهم اخبار غیبیه ای که از آن حضرت صادر گردیده و بعد از سالها بلکه قرنها وقوع یافته و اکابر علماء خودتان خبرها را نقل نموده و تصدیق بآن معانی نموده اند اشاره نمایم صبح طالع میگردد در حالتیکه بعشری از اعشار نقل حقایق ترسیده ایم بیش از این مزاحم نمیشوم .

(۱) چه بگویم و چگونه معرفی نمایم شخصی را که ابواب فضائل تماماً باو منسوب و فضل هر گروهی از فضلا باو منتهی میگردد و هر طایفه فضل خود را از او گرفته و جذب نموده اند او است رئیس فضل و فضلاء زیرا هر فضیلتی از او سرچشمه گرفته حجج و براهین فضل از آن جناب ترشح نموده است او است برنده مسابقه در میدان سباق او است کاشف نتایج فضل و هر بابی از فضل که بعد از آنجناب هویدا گردیده بازاریب باو دارد بایستی باو اکتفاء بفضیلت نمود و بسئل او اقتدا کرد .

(۲) چنین امری البته ملحق بمعجزات است زیرا از قوه بشری خارج است که بتواند چنین تواعدی را احصاء یا یا بن مرتبه از استنباط نامل کرد .

درخانه اگر کس است يك حرف بس است .

برای نمونه و روشن شدن اذهان گمان میکنم کافی باشد که آقایان بدانند آنچه ما میگوئیم با دلیل و برهان میباشد .

از جمله روزهاییکه پرده از علم آنحضرت برداشته شد و امت فهمیدند که آن حضرت عالم بمغیبات است مثل فردا روزی بود که بنا بر بعض اخبار صحیحه و مشهوره روز ولادت با سعادت ربخانه رسول الله ابا عبد الله الحسین ارواحنا فداء بوده است .

ان الناس دخلوا على النبي صلى الله عليه وآله

خبر ولادت امام حسین عليه السلام و

و سلم و هينوه بمولوده الحسين عليه السلام

تهنيت ملائكة و امت برسول

مردم داخل میشدند برسول خدا صلى الله عليه وآله و تهنيت

اکرم صلى الله عليه وآله وسلم

میکفتند آنحضرت را بمولود حضرت حسین عليه السلام

شخصی از میان جمعیت عرض کرد بایى انت و امی یا رسول الله پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله امروز از علی امر عجیبی مشاهده کردیم فرمود چه دیدید عرض کرد چون ما برای تهنیت آمدیم ما را از ورود بر شما منع نمود بعنتر اینکه یکصد و بیست هزار ملك از آسمان جهت تبریک و تهنیت نازل شده اند و حضور رسول خدا صلى الله عليه وآله میباشد ما تعجب نمودیم که علی از کجا شماره نمود و چگونه خبر داد شد آیا شما باو خبر دارید حضرت تبسمی نمود و بعلی فرمود از کجا دانستی آنقدر ملك در نزد من آمده اند عرض کرد .

بایى انت و امی ملائکه ای که بر شما نازل و سلام مینمودند هر يك بلغتی با شما حرف میزدند من شماره کردم دیدم یکصد و بیست هزار لغت با شما حرف زدند فهمیدم یکصد و بیست هزار ملك خدمت شما آمده اند حضرت فرمودند **زادك الله علماً و حلاً یا ابا الحسن** خداوند علم و حلم تو را زیاد کند یا ابا الحسن (کنیه علی عليه السلام بود) .

آنکاه رو بامت نموده فرمود انا مدينة العلم و علی بابها ما لله نبأ عظم منه و ما لله آية اكبر منه هو امام البرية و خير الخليفة امين الله و خازن علم الله و هو الراسخ في العلم و هو اهل الذكر الذي قال الله تعالى فاستلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون انا خزانه العلم و علی مفتاحها فمن اراد الخزانة فليأت المفتاح (۱).

قضاوت منصفانه
آقایان محترم اگر انصاف دهید و قدری از عادت خارج شوید و قضاوت عادلانه نمائید بدون اراده روی فطرت پاک قلبتان تصدیق مینماید که چنین شخصیت بزرگی که جامع جمیع علوم انبیاء و اسرار غیوب و مرآت کامل رسل و واجد جمیع صفات حمیده و اخلاق پسندیده و صاحب مقام عدالت و تقوی و عصمت بوده رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم امر فرموده بدر خانه او بروید و اطاعت او را اطاعت خود و مخالفتش را تم مخالفت خود قرار داده و از حیث زهد و ورع و تقوی و ثراد برجسته خلق و اعلاى از همه بوده بقسمی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله او را امام المتقین و سید المسلمین خوانده که بیعض از آن اخبار در لیالی ماضیه اشاره نمودیم اولی و احق بمقام خلافت و امامت بوده است از سایر صحابه ولو صحابه هم هر يك دارای فضائلی بوده اند ولی صحبت ما در افضل و اکمل است که اولویت و حق تقدم بر دیگران دارد.

اگر شما در میان تمام صحابه و اقارب رسول الله فردی را معرفی نمودید که بفضائل و کمالات و صفات ظاهر و باطن برابری با آنحضرت نماید ما تسلیم میشویم و اگر همچو فردی را نتوانستید معرفی نمائید (زیرا همچو فرد شاخصی جز آنحضرت در میان صحابه وجود نداشته) حقا باید تسلیم حقیقت شوید و چشم از خلق پوشیده و با حق پیوند نمائید.

(۱) من شهر علم هستم و علی دروازه او است نیست برای خدا خبری و آیتی بزرگتر از علی اوست امام خلق و بهترین مردم امین خدا و نگهدار علم او و اوست اهل ذکر که خدا فرموده سؤال کنید الاهل ذکر اگر شما علم ندارید من خزانه علم هستم و علی کلید آن خزانه است هر کس خزانه را میخواهد پس باید کلید را بیابد.

(دستهای خود را بسوی آسمان برداشته عرض کردم) خدایاتو را شاهد و گواه میکنم اداء حق نمودم و وظیفه دینی را بدون حب و بغض انجام دادم و دفاع از حریم تشیع نمودم و حقیقت را در مقابل تهمت های دشمنان ظاهر ساختم عوض و پشتیبانی را از خودت میخواهم و بس .

بیانات نواب در قبول تشیع نواب - قبله صاحبده شب است که در حاشیه این

مجلس ذکر استضائه از انوار مقدسه و استفاده از مبانی علمیه و مباردی عالیه نموده و دلائل طرفین را استماع نمودیم چند نفر هستیم که تمام شبها با عشق تمام در مجلس حاضر و همه روزه در اطراف گفتارهای شبانه صحبتها نموده و مطالب را حلاجی کامل نمودیم شکر میکنم خدای واحد را که اسباب هدایت ما را بوسیله شما فراهم آورده و مستبصر بحق شدیم و دلائل نشنیده شنیدیم کاملا صد در صد بر ما ثابت و محقق آمد که طریق شیعه امامیه اثنا عشریه مذهب حق و طریقه حقیقت است بر خلاف تبلیغات سوء مخالفین که آنها را بما مشرک و غالی و رافضی و منحرف از حق معرفی نمودند بر ما معلوم آمد که دین حقیقی اسلام را آنها دارا هستند . نه ما عده حاضر بلکه بسیاری از مردمان ساده بی غرض که در پی حق و حقیقت اند مانند ما در این شهر از خواندن روزنامه ها و مجلات و پی بردن بدلائل طرفین مستبصر بحق شده اند .

منتها بعضیها توانائی تظاهر ندارند بواسطه اشتغال آنها در مجامع عمومی و مشاغل خصوصی و اختلاط با مخالفین - ولی در نزد ما محرمانه اظهار تشیع نموده اند . چون شما راه ابهامی باقی نگذارید و بایبان ساده نزدیک بفهم همه ما کشف حقایق نمودید .

ولی ما عده حاضر چون از کسی باک نداریم با قوت قلب آماده تظاهر هستیم چند شب است که میخواهیم پرده را برداشته و خود را معرفی نمائیم فرصت بدست نیامده و از حسن اتفاق هر شب بر بصیرت ما افزوده و دلائل محکم تری شنیده و بر عقیده خود تراسخ و ثابت تر شدیم .

برای آنکه وقت از دست نرود اجازه دهید پرده را برداشته آقاری ما را بشنوید و بما افتخار دهید و نام ما را در دفتر شیعیان مولای عالمیان امیر المؤمنین علی و ائمه هدایت اثناعشر علیهم السلام ثبت و ضبط نمائید و بجامعه شیعیان هم اعلام فرمائید که ما را به برادری خود پذیرند و در روز قیامت در محکمه عدل الهی و حضور جد بزرگوارتان هم شهادت بدهید که ما از روی علم و یقین ایمان بولایت ائمه اثناعشر و اوصیاء و خلفاء رسول خدا آورده ایم .

داعی - بسی خرسندم که می بینم افراد برجسته ای بادیده بصیرت و گوش حقیقت توجه به حقایق نموده حق را بروشنائی نور عقل بدست آورده براه راست و صراط مستقیم وارد شدند .

همان صراطی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور داده چنانچه اکابر علماء سنت و جماعت از قبیل امام احمد بن حنبل دره سند و ابن ابی الحدید در شرح نهج و محمد بن طلحه شافعی در مطالب السؤل و ابن مغزلی در فضائل و خوارزمی در مناقب و سلیمان حنفی در منابع الموده و دیگران نقل نموده اند که آنحضرت فرمود **صراط علی حق نمسکه** یعنی راه علی حق است می چسبیم او را .

امیدوارم سایر برادران اسلامی ما هم از عادت و تعصب خارج گردیده و پرده استتار از مقابل دیدگان شان برداشته حق و حقیقت بر آنها آشکار گردد .

نواب - قبله صاحب باتشکر از مراحم و الطافتان که با روی باز و حسن اخلاق جواب مستدعیات ما را دادید اینک مختصر اشکالی در گوشه دل ما است تمنا داریم آن داهم حل نمائید که باعث مسرت و امتنان و روشنائی دیدگان برادران ما و استحکام عقیده و ایمان ما گردد .

داعی - خواهش میکنم بفرمائید اشکال در چه چیز است تا جواب آنرا عرض نمایم .

نواب - اشکال ما راجع بامامت ائمه اثناعشر و اسامی آنها میباشد چون در این شبها آنچه مورد بحث قرار گرفته شخصیت امیر المؤمنین علی علیه السلام بود

متمنی است برای ما شرح دهید که اولاد قرآن کریم آیه ای هست که ما را دلالت بامامت ائمه اثناعشر بنماید یا خیر .

ثانیاً در کتابهای ما اسامی دوازده امام شیعیان ثبت شده یا خیر چنانچه هست برای اطمینان قلب ما بیان فرمائید .

داعی - فرمایش شما بسیار بجا و سؤال بموقع نمودید و جواب آنهم حاضر است ولی چون وقت تنگ و نزدیک سحر است و جواب این سؤال هم ممکن است قدری طول بکشد چنانچه موافقت فرمائید یا فرداشب تشریف می آورید و جواب عرض مینمایم یا فردا صبح بعرض جواب مبادرت ورزم .

چون فردا روزعید سعید میلاد سعادت بنیاد ریحانه رسول الله حضرت امام اباعبدالله الحسین علیه السلام است از طرف برادران قزلباش ما جشن معصلی از صبح تا ظهر در امام باره (حسینیه) رسالدار بر قرار است ممکن است در آنجا بعنوان عیدی این جواب را عرض نموده و حل اشکال نمایم انشاء الله تعالی .

نواب - با کمال افتخار موافقیم و بیش از این مزاحم وقت شما نمی شویم پس الحال اجازه فرمائید آقایان محترمی را که از انوار مضيئه این مجلس نورانی استضاءه نموده اند بحضور مبارک معرفی نمایم .

داعی - با یکعالم میل و مسرت آماده ایم که آقایان عزیز را در آغوش مهر و محبت پذیریم .

نواب - آقایانی که افتخار دارند امشب در تحت لوای **تشیع اختیار نمودن**
شش نفر اهل تسنن
لا اله الا الله محمد رسول الله اقرار بخلافت و امامت علی و یازده نفر امامان از فرزندان آنحضرت بنمایند .

- ۱ - حقیر مخلمشما عبد القیوم ۲ - سید احمد علی شاه ۳ - غلام امامین
- (از تجار محترم) ۴ - غلام حیدر خان (از اعیان سرحدی) ۵ - عبد الاحد خان
- (از تجار محترم پنجاب) ۶ - عبد الصمد خان (از رجال و ملاکین معروف) (شکل ۲۲) .
- (آقایان رویداعی آمدند داعی هم از جا برخاسته تمام اهل مجلس همه برخاستند)

(هر يك را در آغوش محبت گرفته بوسیدم بعد تمام اهل مجلس با آنها معاينه نمودند)
 (چون دیدم برادران اهل تسنن خیلی گرفته شدند برای دلجوئی آنها گفتم شب عید)
 (است مطابق دستورات اسلامی مسلمین بایستی با یکدیگر مصافحه و معاينه نمایند)
 (که موجب ثواب فراوان است - فلذا خوبست همگی با هم مصافحه و معاينه نمایم)
 (اول دست بگردن جناب حافظ و شیخ عبد السلام و بعد با سایرین معاينه نموده و پیشانی)
 (همگی را بوسیده آنگاه شربت و شیرینی مفصلی به مجلس آوردند و با صحبت های شیرین)
 (مجلس را مسرتی تازه دادیم و کدورت های ظاهری را که در وجنات آنها بود بر طرف)
 (نمودیم).

حافظ - صاحب ما از دیدار شما در این شبها بهره کافی بردیم که تا آخر عمر
 لذت آن فراموش شدنی نیست.

مخصوصاً بر شخص بنده منت بزرگی دارید جد بزرگوارتان بشما عوض بدهد
 زیرا کشف حقایق بسیاری نمودید چنانچه شبهای قبل هم عرض شد که حقیر را بیدار
 نمودید قطعاً من آن آدم شب اول نیستم یعنی هر انسان عاقل منصفی که دلائل خالی
 از شائبه شما را بشنود قطعاً بیدار و هشیار میشود - مانند این بنده حقیر که امیدوارم
 بطریقه ولایت عترت و اهل بیت رسالت از این عالم بروم و در مقابل رسول الله ﷺ
 سفید روی باشم.

خیلی مایل بودم که مدت بیشتری با شما مانوس باشم ولی چون وقت ما تنگ
 گردیده و کارهای شخصی بسیار داریم ما بخیال دو روزه آمدیم تصادفاً خیلی طولانی شده
 امشب را با اجازه آقایان لیلۃ الوداع قرار میدهم که فرداشب با ریل (راه آهن) حرکت
 نمایم و از شما دعوت میکنیم که بمحل ما تشریف فرما شوید تا از محضرتان بهره های
 خصوصی برداریم.

داعی - آقایان تصدیق فرمائید از شب اول که بزیارتتان نائل آمدم الی الحال
 باوداد و صمیمیت بدون عناد و تعصب سرگرم مهر و محبت بودم و با آقایان انس و علاقه
 مخصوصی پیدا نمودم هیچگاه از طرف داعی مانعی برای حرکت آقایان نبوده ولی

عده ای از اکابر برادران شیعه و سنی و مستبصرین اهل تسنن که بغیض سعادت تشیع نائل شدند (شکل ۲۲)



الحال که میشنوم آقایان خیال حرکت دارید تأثیر عجیبی در خود مشاهده مینمایم .
 یکی از عرفاء شاخین گوید من با انس و وصال (برخلاف عموم) مخالفم برای آنکه
 در عقب وصال فراق میآید و در دیوان منسوب بمولانا امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمود :
يقولون ان الموت صعب على الفتي **مفارقة الاحباب و الله اصعب (۱)**
 الحق در این ده شب از دیدار آقایان عموماً و شخص جنابعالی خصوصاً توشه بسیار
 برداشتم که هرگز فراموش نخواهم نمود .

ولو در این ده شب بمناسبت الکلام بجز الکلام رشته سخن بسیار طولانی شد
 و هر شبی بدون ایراده زیاده از شش هفت ساعت و بیشتر وقت آقایان جلساء محترم را
 گرفتم ولی چون سراسر مجلس ما ذکر آیات شریفه قرآنی و نقل احادیث رسول خدا
صلی الله علیه و آله بوده و از عناد و لججاج جاهلان و لاهو و لعب بر کنار بودیم خود عبادتی از عبادات
 را انجام دادیم .

ولی نظر بآنکه انسان مرکز سهو و نسیان و اشتباه است چنانچه در طی
 کلمات از طرف داعی سهواً (نه عمدتاً) إساءة ادب یا اطالة کلام روی داده یا بنظر آقایان
 محترم بد آمده عفو و اغماض فرمایند و درمظان استجابت دعوات داعی ناچیز محتاج را از
 دعای خیر فراموش فرمایند .

حافظ - از حسن بیان و ابراز الطافتان کمال امتنان حاصل است واحدی از ما
 از شما رنجشی ندارد که پوزش میطلبید چه آنکه حسن اخلاق و ادب جنابعالی بقدری
 زیاد است که ما را مفتون و مجذوب خود نموده و از طول کلمات هم ابدأ افسردگی
 نداریم بلکه طلاقت لسان و حسن بیان شما باندازه ای قوی است که گمان نمیکنیم هر قدر
 طولانی شود ملال آور باشد .

داعی - با تشکر از مراحم آقایان در خاتمه عرایض میخوانم مطلبی بعرض
 برسانیم که چون فردا روز عید بزرگ مولود مسعود منجی امت ربحانه رسول الله صلی الله علیه و آله
 میباشد و از طرف آقایان محترم قزلباش و برادران شیعی شما مجلس جشن با شکوهی
 در امام باره (حسینیه) رسالدار بر قرار است .

(۱) میگویند که بر جوان سخت است و حال آنکه مفارقت دوستان بحدی قسم سخت تر است .

و آقایان محترم از شخص جنابعالی و آقایان حاضر بتوسط شما از جمیع برادران
 اهل تسنن صمیمانه دعوت مینمائیم نظر بعلاقة مخصوصی که برسول اکرم صلی الله علیه و آله دارید
 برای خرسندی روح پر فتوح آنحضرت فردا صبح را با اجتماع مهمی از برادران اهل
 سنت و جماعت بآن مجلس جشن تشریف فرما شوید که از شرکت خودتان در آن مجلس
 جشن شیعیان علاوه بر اینکه عموم ما را ممنون و متشکر خواهید نمود .

با نظر داعی موافقت خواهید فرمود که با شرکت دو فرقه برادران ایمانی و اسلامی
 در این جشن عمومی چنان اتحادیه اسلامی تشکیل دهیم که اعادی اسلام را (که خواهان
 تفرقه و جدائی مسلمانان اند) در حیرت و عبرت بگذاریم .

قد فرغت من الكتابة فی جمادی الثانی ۱۳۷۴ وانا العبد الفانی محمد الموسوی

(سلطان الواعظین الشیرازی)

عید میلان حسینی

فدت شهر شعبانها الاشهر
طوی الهم عنا و زال العنا
لثاثة فی رقاب الانام
فصبح الولاء بمیلاد سبط
و باب النجاة الامام الذی
وغصن الامامة فی سما
وروض النبوة من نوره
لتهن بمیلاده شیعة

فمن بینها یمنه الا شهر
و بشر الهنا ییننا ینشر
ایاد لعمرک لا تنکر
هادی الانام به مسفر
ذنوب العباد به تفر
جنی هدایتها یشمر
سنی و من نوره مزهر
لهم طاب فی حبه عنصر (۱).

صبح روز سیم شعبان المعظم سال ۱۳۴۵ که عید میلاد سعادت بنیاد مولانا و مولی الکونین امام سیم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه و علی جد و ایه و امه و اخیه و تسعة المعصومین من ذریته الصلاة والسلام بود طالع ، مجلس جشن با شکوهی از طرف آقایان محترم قزلباش در امام باره (حسینیّه) رسالدار منعقد و برقرار شد از اول صبح عموم طبقات مختلفه بآن مجلس با شکوه هجوم آورده چهار ساعت بظهر مانده داعی باتفاق جمع کثیری از علماء و رجال شیعه که بمنزل آمده بودند جهت شرکت در جشن به امام باره رقتیم الحق مجلس با شکوهی بوده .

(۱) از بین جمع دوازده ماهه سال شهر شعبان که مشهور بین و خیریت است صدای خود را به بشارت از میلاد آنحضرت بله نمود هرگونه هم و غیره را از ما ذائل و صدای تبریک از هر طرفی برخاست باینکه در سیم ماه شعبان حسین بن علی علیهما السلام متولد گردید و لذا صبح ولایت بیلاذ پسر پیغمبر خدا روشن و منور گردید که او کیستکه باب نجات و سبب آموزش خلائق است شاخه درخت امامت از او بلند و میوه های درخشنده ولایت به امام بعد از او هستند باغ نبوت از نور او روشن و بر از گل و میوه است تهیت بگو بیلاذ آن بزرگوار گروه شیعیان را یعنی آن گروهی که از حب و دریب بسبب محبت او خالی اند .

هزاران نفر جمعیت از طبقات مختلفه شیعه و سنی فضای بسیار وسیع امام باره با آن عظمت و تمام اطافهای بزرگ دو طبقه اطراف را تا میان معبر عمومی حتی بالای بامهارا پر نموده بودند .

آقایان محترمین علماء عامه و اهل تسنن باتفاق جناب حافظ محمد رشید و شیخ عبدالسلام هم تشریف فرما بودند از ورود داعی جوش و خروش عجیبی در مجلس بر پا شد با اینکه برای جلوس داعی جایگاه مجللی معین نموده بودند مع ذلك بیاس احترام علماء بزرگ عامه از جایگاه خود صرف نظر نموده يك سر خدمت ایشان رقتیم بسیار از این عمل داعی که احترام بمقام آنها و دال بر خفن جناح و بی غرضی داعی بود خوش حال شدند .

بعد از معانقه و جلوس شربت و شیرینی مفصلی بمجلس آوردند بعد از صرف شربت و شیرینی دو نفر مداح مدیحه سرائی قابل تمجید بلسان اردو و پارسی نمودند آنگاه جناب سردار عبد الصمدخان که از رجال نامی شیعه پیشاور بودند با جماعتی از محترمین قزلباش آمدند و از داعی درخواست منبر نمودند که چون روز عید است جماعت حاضرین بانتظار عیدی از شما آماده اند که از بیانات منبری خود با آنها عیدی بدهید .

هر چند داعی امتناع نمودم بر اصرار آنها افزوه شد عاقبت جناب حافظ واسطه شدند و گفتند چون امروز آخر توقف ما است میل داریم از منبر شما یاد کاری باخود ببریم چون بایشان علاقه پیدا نموده بودم نخواستم تمرد از قول ایشان بنمایم لذا بیاس احترام ایشان منبر رقتیم تا قریب ظهر منبر بودم و بعد از خاتمه منبر و اداء نماز جماعت باتفاق عده ای از خواص رجال شیعه و سنی و آقایان مستبصرین عکسی برداشتند (که در صفحات قبل گراور شده و از نظر خوانندگان محترم گذشت) و غذای مفصلی بافتخار ورودیش نفر آقایان محترمین تازه وارد در حوزه شیعیان بعموم داده شد .

اینک متن منبر داعی را هم که مخبرین جرائد و مجلات نوشته و در مطبوعات خود انتشار داده بودند چون خالی از فایده نبود بلکه میتوان گفت متمم و مکمل بیانات ده شب مناظرات ما بود لذا برای چاپ باصل کتاب ملحق نمودیم .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آغاز منبر

ربّ اشرح لی سدری و یسر لی امری و احلل عقدة من لسانی یفقهوا قولي .

الحمد لله الاول قبل اولى الاولين و الباقي بعد فناء الخلق اجمعين و الصلاة و السلام على سر الوجود و اول كل موجود و صاحب لواء الحمد و المقام المحمود الخاتم لما سبق و الفاتح لما اتفق و المعلن الحق بالحق و الدافع جيشات الاباطيل و الدامغ صولات الاضاليل النبي الامي و الرسول المكي المدني الفرشي الهاشمي الابطحي سيد الاولين و الاخرين حبيب اله العالمين ابي القاسم محمد بن عبدالله خاتم الانبياء و المرسلين و علي آله الطاهرين و اوصيائه المعصومين شمس سماء العالم و الهداية و ينابيع الحكمة نوايس الكبرياء و آيات الله العظمى و لمة الله على اعدائهم و مبغضيههم و منكري فضائلهم من الاولين و الاخرين من الان الي يوم الدين اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم قال الله الحكيم في كتابه الكريم يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولي الامر منكم فان تنازعتن في شيء فردوه الى الله و الرسول ان كنتم تؤمنون بالله و اليوم الاخر ذلك خير و احسن تاويلا (۱) .

(۱) ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمان داران (از طرف خدا و رسول) را اطاعت کنید و چون در چیزی کارتان بگنجد و نزاع کشید بحکم خدا و رسول باز گردید اگر بغضا و رود قیامت ایمان دارید اینکار (رجوع بحکم خدا و رسول) برای شما از هر چه تصور کنید بهتر و خوش طاقت تر خواهد بود . آ ۶۲ سوره چهار (ساء).

آزادی مجاز و حقیقت

یکی از موضوعات مهمه که سالها است رطب اللسان عموم گردیده و هر فرقه و قومی برای پیشرفت مرام

و مقصد خود اتکاء بآن مینمایند موضوع حریت و آزادی است که احوار دست آورده است ای از مردمان قصیر الفکر و کوتاه نظر گردیده که روی همین اصل حریت و آزادی از زیر فرمان قضاء جریان انبیاء عظام بیرون رفته و از حوزه متدینین خارج گردیدند و حال آنکه فهمیدند حریت و آزادی از عبودیت پروردگار عالمیان و قیود شرایع حقّه و قوانین مقدسه مخالفت کامل با علم و عقل دارد و چنین حریت و آزادی مغلّ آسایش بشر و موجب هرج و مرج و خلاف نظام طبیعی و مردود و مبنغوض محققین علماء و عقلاء میباشد .

البته آن حریت و آزادی که بسیار خوب و ممدوح است عبارت است از آزادی از عبودیت مخلوق و تعظیم و پرستش أبناء بشر و اطاعت کور کورانه همجنسان مانند خود چنین آزادی از لوازم انسانیت است چه آنکه انسان فهمیده که بنور عقل منور گردیده و صاحب علم و معرفت میباشد بایستی از عبودیت و بندگی مانند خود بر کنار باشد کور کورانه مطیع صرف احدی نگردد که در وادی ضلالت و حیرت سرگردان گردد .

البته باید انسان اشرف مخلوقات سر اطاعت بجائی فرود آورد که قابل و لایق و دلائل عقل و نقل بر او قائم باشد .

بدیهی است ستایش و بندگی منحصرأ اختصاص دارد بذات بی زوال حضرت احدیت جلّ و علا که خالق ما و شما و جمیع موجودات عالم است که با دلائل عقلیه ثابت آمده که مخلوق عاجز در مقابل خالق قادر آنها خالق که ایجاد همه چیز برای او نموده بایستی خاضع و خاشع و مطیع صرف باشد .

و اطاعت احدی از مخلوقات بر انسان جائز نیست مگر آنکسی را که خداوند متعال امر باطاعت او نموده باشد و سند محکم ما در اطاعت و فرمان برداری اشخاصی قرآن مجید است .

وقتی مراجعه بقرآن مجید و این سند محکم آسمانی مینمائیم می بینیم دستور اطاعت را در آیات چندی کاملاً بما داده که روی قواعد عقلانی اطاعت از چه اشخاصی بنمائیم و در مقابل چه افرادی سر تعظیم فرود آوریم .

اطاعت خدا و پیغمبر و
اولی الامر واجب است
از جمله در همین آیه شریفه که مطلع عرایض
داعی است صریحاً فرموده **اطيعوا الله واطيعوا
الرسول واولی الامر منکم** یعنی اطاعت کنید

خدا و اطاعت کنید پیغمبر و صاحبان امر را .

پس بحکم این آیه شریفه بعد از اطاعت خداوند متعال از جنس بشر اطاعت پیغمبر و صاحبان امر واجب است .

در اطاعت او امر پیغمبر **خاتم النبیین** عموم جامعه مسلمین متفقند و احدی انکار این معنی ندارد فقط اختلافی که بین مسلمانان ایجاد نمودند در معنای اولی الامر است که خداوند در این آیه بعد از اطاعت خود و رسولش اطاعت اولی الامر را واجب قرار داده .

برادران عامه و اهل تسنن را عقیده بر آنست که
مراد از اولی الامر در آیه امراء و فرمانفرمایان
وسران لشکرند که شامل حال سلاطین و صاحبان

عقیده اهل تسنن در
معنای اولی الامر

امر (ظاهری) میباشد .

فلذا آقایان اهل تسنن اطاعت امر سلاطین را بر خود واجب میدانند (هر چند متجاهر بفسق و فجور و ظلم باشند ؟) بدلیل آنکه آنها مشمول آیه اولی الامرند پس اطاعتشان واجب است ؟

و حال آنکه چنین عقیده ای با دلائل عقل و نقل باطل است که این مجلس مختصر با ضیق وقت اجازه نمی دهد که بتمام دلائل بر بطالان عقیده آنها استشهاد نمایم اقلایک ماه وقت می خواهد تا بتفصیل بپردازیم ولی من باب **مالا یدرک کله لا یرک کله** .

آب دریا را اگر نتوان کشید لیک بهر تشنگی باید چشید
با اجازه آقایان محترم برای اثبات هدف و مقصد خود مختصراً در اطراف این موضوع بحث مینمایم تا اهل انصاف قضاوت عادلانه نموده کشف حقیقت گردد .

بدیهی است امراء و سلاطین که در جامعه فرمان
صاحبان امر بر سه قسمند
روائی مینمایند از سه حال بیرون نیستند یا منصوب
بالاجماع - یا غالب بالقدرة - یا منصوب من جانب الله اند .

اما طریقه اول که اگر مسلمین اجماع بر فردی نموده و او را بامارت بر قرار نمودند اطاعتش مانند اطاعت خدا و پیغمبر واجب باشد دلیل مثبت عقلانی ندارد که مسلمانان بتوانند عموماً اتفاق کنند بر یک فرد کامل عیار و پاکی و او را بامارت بر قرار نمایند .

برای آنکه مسلمین هر قدر قوی الفهم باشند بطواهر حالات مینگرند و از بواطن اشخاص که در چه عقیده هستند بی خبرند .

هر قدر مسلمین عاقل و دانا باشند در امر انتخابات
بنی اسرائیل منتخب جناب
قطعاً روی موازین ظاهریه از حضرت موسی کلیم
موسی فاسد در آمدند
الله علی نبینا و آله و علیهم السلام که از انبیاء اولوا العزم

است عالمتر نمی باشند و عقول همه آنها از عقل کامل فرستاده خدا بالاتر نخواهد بود .

حضرت موسی از میان هزاران عقلاء و دانشمندان بنی اسرائیل هفتاد نفر را روی حسن ظواهر انتخاب نمود (چون انبیاء مأمور بطواهر بودند بیوطن اشخاص نظر نمی کردند همان حسن ظاهر را مدار اعتبار قرار میدادند) .

و بطور سینا برد در موقع امتحان همگی فاسد در آمدند و هلاک شدند معلوم شد از اول صاحبان عقیده صحیح ثابت قلبی نبودند منتها در موقع امتحان پرده بالا رفت و آنچه در باطن داشتند آشکار شد چنانچه قرآن مجید اشاره باین معنی نموده در آیه ۱۵۴ از سوره ۷ (اعراف) .

بشر قادر نیست انتخاب
امیر صالح کامل نماید

پس جائیکه منتخبین کلیم الله پیغمبر خدا فاسد
و کافر از جلد در آیند و بوسیله صاعقه بعذاب
حق تعالی معذب گردند - سایر افراد بشر بطریق
اولی قدرت بر انتخاب امراء صالح کامل ندارند .

چه آنکه ممکن است منتخب ظاهر الصلاح آنها در واقع و باطن کافر یا فاسق باشند
و ظاهراً سالوسی نموده بعد از جلوس بر اریکه سلطنت و امارت جلد ظاهر الصلاحی را
انداخته بی پرده مقاصد سیئه خود را تدریجاً اجراء نمایند ،
چنانچه در بسیاری از سلاطین و امراء (حتی نمایندگان مجلس شورای ملی) این
امر دیده شده است و قطعاً اطاعت چنین امیر و پادشاهی موجب اضمحلال دین و ضیاع
حقوق مردم و محو آثار اسلام خواهد بود .

سلاطین و امراء اولی
الامر نمیباشند

هرگز عقل باور نمیکند که خداوند متعال اطاعت
امر سلاطین و صاحبان امر ظالم و فاسق فاجری
را قرین اطاعت خود و رسولش قرار دهد پس

بطلان این عقیده و رویه بارز و آشکار است .

و علاوه اگر این حق اجماع امت شرعی باشد اولی الامر باید در هر زمان با انتخاب
حقیقی ملل اسلامی باشد و اختصاص بملتی دون ملت دیگر نداشته باشد . این حق شرعی
تمام افراد جامعه مسلمین است که در هر گوشه و کنار عالم - فردی یا افرادی از
مسلمانان در شهر و یا قریه ای سکنا داشته باشند باید در آن انتخاب رای بدهند
و در تعیین صاحب امر شرکت نمایند نه آنکه دسته ای در شهری یا مملکتی رای بدهند
رای آنها اجباراً مطاع باشد و سایر عقلاء و افراد برجسته مسلمین مجبوراً تسلیم
گردند و اگر جمعیتی نظر مخالفتی داشته باشد آنها را راضی و مشرک خوانند و قتلشان
را واجب بدانند .

چنانچه صفحات تاریخ هزار و سیصد ساله اسلام را مطالعه نمائیم می بینیم که
چنین اجماعی بعد از خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در هیچ زمانی واقع نشده که تمام مسلمین موجود

در عالم یا نمایندگان حقیقی آنها مجتماً رأی داده باشند پس عقیده باجماع در هیچ
دوره ای لباس عمل نیوشیده و نخواهد پوشید مخصوصاً امروزه که بلاد مسلمین قطعه قطعه
و ممالک اسلامی متعدد ، و هر يك امیر و پادشاهی دارند .

اگر بنا شود اهالی هر مملکتی پادشاه و صاحب امر مستقلی برای خود انتخاب
نمایند گذشته از آنکه در هر زمانی اولی الامر متعدد خواهد بود و هیچ يك از ممالک
زیر فرمان پادشاه و اولی الامر مملکت دیگر نخواهند رفت چنانچه بین آنها هم
خلاف و اختلافی واقع شود و نائزۀ حرب بینهما مشتعل گردد (چنانچه مکرر در
تاریخ اسلام واقع شده) مسلمانان بلا تکلیف خواهند بود چه آنکه هر دو دسته از
مسلمانان اطاعة لامر اولی الامر خود ناچار بجان هم افتاده و برادران مسلمان خود را
بکشند آیا هر دو دسته از مسلمانان در برادر کشی مثاب و قاتل و مقتول اهل بهشت
خواهند بود ؟!

حاشا که اسلام و شارع مقدس چنین دستوری داده هرگز اسلام دین جامع کامل
عقل پسند امر بچیزی نمیکند که مورد انکار عقلاء و قابل عمل و اجراء نباشد بعلاوه سبب
ایجاد تفرقه و جدائی مسلمانان گردد .

پس اولی الامری که خداوند امر باطاعت آنها نموده منسوب بالاجماع نخواهند بود .
چنانچه در لیالی ماضیه در مجلس بحث خصوصی با حضور علماء و دانشمندان
فریقین (شیعه و سنی) بطلان اجماع را عقلاً و نقلاً ثابت نمودیم که در صفحات جرائد
و مجلات درج گردیده ^(۱) لابد بنظر آقایان محترمی که در آن جلسات حاضر نبودند
رسیده است .

و اما قسم دوم که منسوب بالقدره است یعنی هر
امیر و سلطان و خلیفه سفاک خونخوار فاجری که
بهر و غلبه و سر نیزه و دسیسه بازی بر مردم

هر سلطان و امیر با قدرتی
اولی الامر نمیباشد

مسلط و صاحب امر نافذ باشد اطاعتش واجب گردد .

(۱) مراجعه شود به ص ۴۸۲ تا ۴۹۱ و ص ۷۴۲ تا ۷۴۸ همین کتاب .

چگونه عقلزیر بار رود و تسلیم باین عقیده بی معنی گردد که اطاعت امراء و سلاطین و یا خلفاء سفاک بی باک و فاسق فاجر مانند اطاعت خدا و پیغمبر واجب باشد ک.

اگر امر چنین است چگونه علماء و مورخین و منقذین از اکابر علماء عامه خلفاء و امراء سفاک ظالم را در کتب و دفاتر خود تصحیح مینمایند مانند معاویه و یزید پلید سفاک و زیاد بن ابیه و عبید الله و حجاج و ابوسلمه و ابو مسلم و غیر آنها .

و اگر فی الواقع کسی از راه لجاج بخواهد بگوید اطاعت این قبیل اشخاص وقتی آمر و نافذ و سلطان و خلیفه بر مسلمین شدند واجب است (چنانچه بعضی از علماء عامه گفته اند) قطعاً چنین اطاعتی بر خلاف نص صریح قرآن مجید و کتاب محکم آسمانی میباشد .

زیرا خداوند متعال در آیات چندی از قرآن مجید کفار و فساق و ظالمین را مورد لعن قرار داده و مسلمین را منع از اطاعت آنها نموده .

پس چگونه در این آیه شریفه امر میکند که اولی الامر (فاسق فاجر ظالم بلکه کافر) را اطاعت کنند !!

بدیهی است نسبت دو قول متضاد بذات اقدس پروردگار از اقیح قباح میباشد ؟ و حال آنکه فخر رازی که از اکابر علماء عامه است در تفسیر این آیه شریفه صریحاً گوید قطعاً بایستی اولی الامر معصوم از گناه باشد و الا خداوند اطاعت او را در ردیف اطاعت خود و پیغمبر خاتم قرار نمیداد .

پس وقتی با همین مختصر دلائل بطلان این دو عقیده ثابت شد که ممکن نیست اولی الامر منصوب بالاجماع یا منصوب بالقدرة باشد .

اولی الامر باید منصوب و
منصوص من جانب الله باشد

ثابت مینماید قسم سیم که حتماً بایستی اولی الامر
منصوب و منصوص من جانب الله باشد مثبت المطلوب
همین است عقیده شیعه امامیه اثنا عشریه که

میکوینند چون اولی الامر بایستی مانند پیغمبر مذهب و منزله از جمیع صفات رزیه و اخلاق فاسده و معصوم از تمام کبائر و صفات ظاهراً و باطناً باشند و چون علم بیو اطمن امور هم احدی

جز خدای تعالی ذاتاً و استقلالاً ندارد پس باید خدایتعالی اولی الامر را معین نماید . همان خدائی که رسول را از میان خلق برگزیده و برسالت میفرستد اولی الامر را هم بایستی ذات اقدس او جل و علا انتخاب نموده و بمردم معرفی نماید .

علاوه بر این قبیل دلائل که از خارج اثبات مرام مینماید صراحت ظاهر خود آیه حکم میکند که اولی الامر کسی باید باشد که واجد جمیع صفات رسول الله ﷺ باشد الا ما خرج بالدلیل که آن مقام وحی و رسالت است .

و چون عالم بجمیع صفات بشریت جز ذات پروردگار دیگری نیست پس حق انتخاب مخصوص بذات او جل و علا میباشد .

فلذا در آیه شریفه برای فرق بین واجب و ممکن دو اطیعوا آورده که میفرماید اطیعوا الله و اطیعوا الرسول خدا را اطاعت کنید بنحویکه او را واجب الوجود بالذات بدانید که آنچه از هستی صفات دارد از قبیل حیات و علم و حکمت و قدرت و غیر آنها از خود او و عین ذات او میباشد .

و اطاعت کنید پیغمبر را بنحویکه او را ممکن الوجود و عبد صالح و واجد جمیع صفات حمیده و اخلاق پسندیده بدانید که تمام آن صفات از جانب واجب الوجود باو افزوده شده است .

ولی وقتی بمعرفی اولی الامر میرسد کلمه اطیعوا نمیآورد قط با يك و او عاطفه اولی الامر را معرفی مینماید و در این و او لطیفه است که میخواهد بمردمان منور الفکر روشن ضمیر بفهماند که اولی الامر آنکس است که واجد باشد هرچرا رسول خدا ﷺ واجد بوده است مگر آنچه بدلیل فاقد است از قبیل نزول وحی و استقلال در ابلاغ رسالت خلاصه آنچه رسول اکرم ﷺ داشته اولی الامر نیز باید داشته باشد مگر مقام رسالت و نبوت پس اطاعت اولی الامر از سنخ اطاعت رسول الله ﷺ میباشد !

قط شأن اولی الامر اینست که مجری احکام و نگاهبان دین و قوانین شرع سید المرسلین ﷺ باشد .

فلذا جامعه شیعه امامیه معتقدند که مراد از اولی الامر ائمه اثنی عشر از نسل پیغمبر

و عترت طاهرة آنحضرت میباشد که آنها امیرالمؤمنین علی علیه السلام از عترت و اهل بیت پیغمبر و یازده فرزند بزرگوار آنحضرت هستند .

و این آیه شریفه بزرگتر دلیل شیعه و جامعه امامیه بر اثبات امامت ائمه اثنی عشر علیهم الصلاة والسلام میباشد .

علاوه بر آیات کثیره دیگر که مورد استدلال ما میباشد که هر يك بجهتی از جهات اثبات مرام مینماید از قبیل آیه ۱۱۸ سوره ۲ (بقره) قال اتي جاعلك للناس اماماً قال و من ذريتي قال لاينال عهدي الظالمين (۱) .

و آیه ۶ سوره ۳۳ (احزاب) النبي اولي بالمؤمنين من انفسهم و أزواجه امهاتهم و اولوا الارحام بعضهم اولي ببعض في كتاب الله من المؤمنين و المهاجرين (۴) .

و آیه ۱۲۰ سوره ۹ (توبه) يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و كونوا مع الصادقين (۴) .

و آیه ۸ سوره ۱۳ (رعد) انما انت منذر و لكل قوم هاد (۴) .

و آیه ۱۵۴ سوره ۶ (انعام) و ان هذا صراطي مستقيماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله (۵) .

(۱) خدای تعالی (با ابراهیم) فرمود من ترا امام و پیشوای خلق قرار دادم ابراهیم عرض کرد این امامت و پیشوایی را بفرزندان من نیز عطا خواهم کرد فرمود : آری اگر صالح و شایسته آن باشند که عهد من (امامت) هرگز ب مردم ستمکار نخواهد رسید .
(۲) پیغمبر اولی و سزاوارتر بمؤمنان است از خود آنها و زنان پیغمبر (در اطاعت و عطف و حرمت نکاح) بحکم مادر مؤمنان هستند و خویشاوندان نسبی شخص بعضی بر بعضی دیگر در کتاب خدا مقدمند از مؤمنین و مهاجرین .

(۳) ای اهل ایمان خدا ترس باشید و با مردان راستگو ببینید و پیرو آنها باشید .
(۴) جز این نیست که وظیفه تو ایستاد و ترسانیدن (از نافرمانی خداست) و هر قومی را از طرف خدا راهنماییست .

(۵) اینست راه راست که راه من است پس پیروی کنید آنرا و از راههای دیگر که موجب تفرقه شماست جز از راه خدا متابعت نکنید .

و آیه ۱۸۰ سوره ۷ (اعراف) و ممن خلقنا امة يهدون بالحق و به يعدون (۱) .

و آیه ۹۸ سوره ۳ (آل عمران) و اعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا (۲) .

و آیه ۴۵ سوره ۱۶ (نحل) فاستلوا اهل الذكر ان كنتم لا تعلمون (۳) .

و آیه ۳۳ سوره ۳۳ (احزاب) انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت

و يطهركم تطهيراً (۴) .

و آیه ۳۰ سوره ۳ (آل عمران) ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهيم

و آل عمران على العالمين ذريةً بعضها من بعض (۵) .

و آیه ۲۹ سوره ۳۵ (فاطر) ثم اورثنا الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا (۶) .

آیه ۳۵ سوره ۲۴ (نور) الله نور السموات و الارض مثل نوره كمشكاة

فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كأنها كوكب دري يوقد من شجرة

مباركة زيتونة لا شرقية و لا غربية يكاد زيتها يضيء و لو لم تمسه نار نور

على نور يهدي الله لنوره من يشاء (۷) .

(۱) و از خلقی که آفریده ایم فرقه ای بحق هدایت مینمایند و از باطل همیشه بحق باز میگردند (که مراد پیشوایان دین و امام معصومین اند) .

(۲) همگی برشته دین خدا (و ولایت عترت طاهره) چنگ زده بر اهلای متفرق نروید .

(۳) از اهل ذکر (قرآن) (که خاندان محمد و آل محمد سلام الله علیهم اجمعین اند) بپرسید اگر شما نمیدانید .

(۴) جز این نیست که مشیت خداوند تعلق گرفته که رجس هر آرایش را از شما خانواده نبوت ببرد شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند .

(۵) بحقیقت خدا برگزید آدم (ع) و نوح (ع) و خانواده ابراهیم (ع) و خانواده عمران را بر جهانیان و فرزندان بعضی از آنها را بر بعضی دیگر .

(۶) پس (از آن پیغمبران سلف) ما آنان را که از بندگان خود برگزیدیم (یعنی محمد و عترت طاهره او علیهم السلام) و ادب علم قرآن گردانیدیم .

(۷) خدا نور (وجود بعضی) آسانها و زمین است داستان نورش بشکوتی ماند که در

آن چراغی روشن باشد و آن چراغ در میان شیشه ای که تلو لوق آن گوی ستاره ای است

درخشان و روشن از درخت مبارک زیتون که با آنکه شرقی و غربی نیست شرق و غرب جهان

بدان فروزانست و بی آنکه آتشی ذیت آنرا برافروزد خود بخود جهانی را روشنی بخشد که

پرتو آن نور حقیقت بر روی نور قرار گرفته و خدا هر که را خواهد بنور خود (و اشراقات و حق خویش) هدایت کند .

و آیات بسیار دیگر که وقت مجلس اقتضای ذکر تمامی آنها را ندارد تا آنجا که خطیب خوارزمی در مناقب و امام احمد در مسند و حافظ ابو نعیم در ما نزل من القرآن فی علی و حافظ ابوبکر شیرازی در نزول القرآن فی امیر المؤمنین آورده اند که رسول اکرم ﷺ فرمود . ربح قرآن در باره ما اهل بیت نازل شده .

و نیز حافظ ابو نعیم در ما نزل من القرآن فی علی و احمد حنبل در مسند و واحدی در اسباب النزول و محمد بن طلحه شافعی در مطالب السؤل و ابن عساکر و محدث شام در تاریخ خود و حافظ ابوبکر شیرازی در نزول القرآن فی امیر المؤمنین علیه السلام و محمد بن یوسف کنجی شافعی در اول باب ۶۲ کفایت الطالب و خواجه کلان سلیمان بلخی حنفی در باب ۴۲ ینایع الموده از طبرانی نقل مینمایند از ابن عباس (حبر امت) که فرمود **نزلت فی علی اکثر من ثلاثائة آية فی مدحه (۱)** .

و البته در اطراف هر يك از این آیات اقلأً بایستی چند ساعتی صحبت نمود که بواسطه نبودن وقت فقط بطور فهرست بعضی از آنها را قرائت نمودم تا اهل فن بکتاب اکابر علماء عامه از قبیل تفاسیر امام فخر رازی و امام ثعلبی و ز مخشری و جلال الدین سیوطی و طبری و نیشابوری و واحدی .

و کتابهای فرائد السمعتین حورنی و صحیح بخاری و صحیح مسلم و سنن ابی داود و جمع بین الصحیحین حمیدی و مسند امام احمد بن حنبل و صواعق ابن حجر و شرف المصطفی خرگوشی و شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید و حلیة الاولیاء حافظ ابو نعیم و مفاتیح الاسرار شهرستانی و مناقب خوارزمی و فصول المهمه مالکی و شواهد التنزیل حاکم ابوالقاسم و استیعاب ابن عبدالبر و سقیفه جوهری و ینایع الموده خواجه کلان حنفی و موده القری همدانی و ما نزل من القرآن فی علی ، اصفهانی و مطالب السؤل محمد بن طلحه شافعی و نهایت ابن اثیر و کفایت الطالب کنجی شافعی و نزول القرآن فی امیر المؤمنین ابوبکر شیرازی و رشفة الصادی سید ابی بکر بن شهاب الدین العلوی و غیر آنها را مراجعه و بادیده تحقیق بنگردند تا حقیقت بر آنها کشف گردد .

(۱) زیاده از سصد آیه در مدح علی علیه السلام نازل گردیده .

خلاصه خوبست اطالۀ کلام نهم و آیه اول مجلس را که ادلّ دلائل آوردیم ذکر نمائیم که عرض کردم عقیده جامعه شیعه امامیه اینست که مراد از اولی الامر در آیه شریفه طبق دلائل عقلیه و براهین عقلیه ائمه ائمتی عشر سلام الله علیهم اجمعین اند .

اما دلائل عقلیه بر این معنا بسیار است که وقت مجلس مقتضی ذکر تمامی آنها نیست ولی بحکم قرینه ثابت است اولی الامری که اطاعتش توأم با اطاعت خدا و پیغمبر است بایستی معصوم از خطاء باشد .

چنانچه امام فخر رازی هم در تفسیرش اقرار باین معنی نموده که اگر گفته شود اولی الامر معصوم نیست اجتماع تفیضین خواهد شد و آن محالست .

و دیگر آنکه اولی الامر باید أعلم و أفضل و أروع و أتقى و أكمل من فی الارض باشد تا واجد صفات پیغمبر صلی الله علیه و آله گردیده اطاعتش از هر حیث واجب آید .

این صفات در میان امت جز در باره ائمه ائمتی عشر (بتصدیق اکابر علماء عامه) گفته نشده مقام عصمتشان طورست که خداوند در آیه تطهیر شهادت باین معنی داده است .

و اخبار بسیاری در کتب معتبره اکابر علماء اهل تسنن در عصمت آن خاندان جلیل ذکر گردیده من باب نمونه بچند خبری از اکابر علماء اهل تسنن تبرک میجویم .

از جمله شیخ سلیمان بلخی حنفی در ص ۴۴۵ ینایع اخبار در عصمت ائمه از طرق عامه الموده ضمن باب ۷۷ و شیخ الاسلام حورنی در فرائد السمعتین از ابن عباس روایت نموده اند که گفت

سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم يقول انا و علی و الحسن و الحسین و نساء من ولد الحسین مطهرون معصومون (۱) .

و از سلمان فارسی نقل مینمایند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست بر کتف حسین علیه السلام گذارد و فرمود **انه الامام بن الامام نساء من صلبه ائمة ابرار امناء معصومون (۲)** .

(۱) شنیدم از رسول خدا (ص) که فرمود من و علی و حسن و حسین و نه نفر از اولاد حسین همگی پاک و پاکیزه و معصوم (از جمیع صفات و کبایر و اخلاق رذیله) میباشیم .
(۲) بدرستی که او امام پسر امام و نه نفر از صلب او امامان و نیکو کاران امناء با عصمت اند .

و از زید بن ثابت روایت نموده که آنحضرت فرمود و آنه لیخرج من صلب الحسین
أئمة ابرار امناء معصومون قوامون بالقسط (۱).

و از عمران بن حصین نقل میکند که گفت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که بعلی علیه السلام
فرمود انت وارث علمی و انت الامام و الخلیفة بعدی تعلم الناس ما لا يعلمون
وانت ابوسبطی و زوج ابنتی و من ذریتکم العترة الائمة المعصومین (۲).
از این قبیل اخبار از طرق اکابر علماء عامه بسیار رسیده که برای نمونه در این وقت
مختصر کفایت میکند.

و اما درباره علم آنها نیز اخبار بسیاری از طرق اهل سنت و جماعت وارد است که
در لیالی گذشته و جلسات خصوصی در این باب بحث مفصل نمودیم لابد بنظر محترم
آقایان در جرائد و مجلات رسیده امروز هم برای نمونه بنقل چند خبر اکتفا می کنیم.

ابو اسحق شیخ الإسلام حموی در فرائد السمطین
و حافظ ابو نعیم اصفهانی در حلیة الاولیاء و ابن
ابی الحدید در شرح نهج البلاغه از ابن عباس روایت
مینمایند که فرمود رسول اکرم صلی الله علیه و آله عترة من از طینت من آفریده شده اند و خدای
تعالی علم و فهم بایشان کرامت فرموده و ای بر کسیکه ایشان را تکذیب نماید.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه و صاحب کتاب سیر الصحابه از حدیفة بن اسید
روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از اداء خطبه مفصل و حمد و ثناء حق تعالی
فرمودند انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی ان تمسکتهم بهما فقد نجوتهم
طبرانی با این زیادتی نقل مینماید که فرمود فلا تقدموهم فتهلكوا ولا تقصروا
عنهم فتهلكوا ولا تعلموهم فانهم اعلم منکم (۳).

(۱) هر آینه بیرون می آید از صلب حسین امامان نیکوکار امناء با عصمت کار گذاران بعد و داد.
(۲) تو وارث علم منی و تویی امام و خلیفه بعد از من یاد میدهمی مردم چیزیکه نمیدانند
و تویی پدر دودختر زاده من و شوهر دختر من و ذریه شماست عترة پاک و امامان با عصمت.
(۳) دو چیز نفیس بزرگ را در میان شما میگذارم که اگر باین دو چیز تمسک جوئید نجات
یابید یکی قرآن مجید و دیگری عترة من اند آنگاه فرمود امت برایشان سبقت نجوئید و تقصیر و
کوتاهی نکنید از آنها که هلاک خواهید شد بایشان یاد ندهید و تعلیم ننمایید که ایشان از شما داناترند.

بروایت دیگر از حدیفة بن اسید نیز نقل میکند که آنحضرت فرمود
الائمة بعدی من عترتی عدد نعباء بنی اسرائیل نعمة من صلب الحسین اعطاهم
الله علمی و فهمی فلا تعلموهم فانهم اعلم منکم اتبعوهم فانهم مع الحق
والحق معهم (۱).

اینها مختصری از دلالتی است که اکابر علماء عامه و اهل تسنن بر اثبات علم و
عصمت ائمة اثناعشر ما نقل نموده اند که تقویت میکند دلایل عقلیه را.

بعضی بازیگران یا اشکال تراشها ایجاد شبهه
اشکال در اینکه چرا اسامی
نموده و در دسترس عموم قرار داده اند که اگر
ائمه در قرآن نیامده

ائمة اثناعشر شیعیان بر حقند چرا اسامی آنها
در قرآن مجید که سند محکم دیانت است ذکر نگردیده در شب گذشته هم برادران عزیزم
در مجلس خصوصی همین سؤال را از داعی نمودند چون وقت گذشته بود جواب رامو کول
بامروز نمودم اینک که باصرار آقایان منبر آمدم و مقتضی موجود گردیده با توجهات
خاصه پروردگار رفع اشکال مینمایم.

مقدمة عرض میکنم اشتباه بزرگی دامنگیر دسته ای از مردمان قصیر الفکر
گردیده که گمان میکنند جزئیات جمیع امور در قرآن مجید موجود است و حال آنکه
قرآن مجید که کتاب محکم آسمانی است بسیار مجمل و مختصر و موجز نازل گردیده
فقط متعرض کلیات امور است ولی جزئیات امور را موکول بیان مبین که رسول
الله صلی الله علیه و آله است نموده چنانچه در آیه ۷ سوره ۵۹ (حشر) میفرماید و ما لیکم
الرسول فخذوه و ما نهیکم عنه فانتهوا (۲).

فلذا وقتی با حکام و قوانین اسلام از طهارت تا ریات مینگریم می بینیم که در
(۱) امامان بعد از من از عترة من بعد دعباء بنی اسرائیلند (یعنی دوازه نفر) نه نفر از
صلب حسین اند اعطاء نموده است خداوند بآنها علم و فهم مرا پس بآنها یاد ندهید و تعلیم
ننمایید بدرستی که آنها اعلم از شما میباشد متابعت کنید آنها را پس بدرستی که آنها با حق و حق
با آنها میباشد.
(۲) آنچه رسول حق بشما دستور دهد (و عطا کند) بگیریید و هر چه نبی کند شما را از
آن واکدارید.

قرآن مجید کلیات آنها ذکر گردیده ولی شرح و بیان آنها را پیغمبر فرموده .

جواب از اشکال

اولاً آقایانیکه اشکال تراشی میکنند و میگویند چون اسامی و عدد امامان اثناعشر در قرآن مجید نیست ماقبول نداریم و اطاعت نمیکنیم چیز را که در قرآن نییاشد - باید بآنها گفت که اگر امر چنین باشد که هر چه در قرآن مجید نام برده نشده و صراحت ندارد و جزئیات او ذکر نگردیده باید متروک گردد .

پس آقایان باید ترك نمایند تبعیت و پیروی از خلفاء راشدین و خلفاء اموی و عباسی و غیر هم را چه آنکه در قرآن مجید آیه ای که اشاره بمقام خلافت خلفاء راشدین (غیر از علی بن ابیطالب علیه السلام) و خلفاء اموی و عباسی و طریقه اجماع و اختیار امت در تعیین خلافت و عدد و اسامی آنها نیامده پس روی چه اصل و قاعده تبعیت از آنها نموده و مخالفین آنها و ارافضی و مشرک و کافر می خوانند !؟

و از اینها گذشته اگر امر چنین باشد که هر چه در قرآن مجید ذکر و نامی از آنها نشده بایستی متروک گردد .

قطعاً آقایان باید تارك جمیع عبادات و احکام کردند زیرا جزئیات هیچ يك از آنها در قرآن مجید ذکر نگردیده .

عدد رکعات و اجزاء نماز در قرآن نیامده

برای نمونه نماز را که اصل اولیه از فروع دین است که باتفاق فریقین رسول اکرم سفارشات و تاکیدات بلیغ در آن باب نموده تا آنجا که

فرموده الصلوة عمود الدین ان قبلت قبل ماسواها وان ردت رد ماسواها (۱) .

مورد مطالعه قرار داده می بینیم در قرآن مجید ابدأ ذکر از عدد رکعات نمازها و طریق اداء آنها از حمد و سوره و رکوع و سجود و ذکر و تشهد نشده پس بایستی نمازها را ترك کرد چون در قرآن مجید ذکر از اجزاء آن نیامده !؟

(۱) نماز ستون و تکمیل دین است اگر نماز قبول شد ماسوای آن قبول و اگر نماز رد شد ماسوای آن هر چه هست رد میگردد .

و حال آنکه اینطور نیست در قرآن مجید فقط کلمه صلاة مجعلا آمده اقم

الصلاة - اقام الصلاة - اقيموا الصلاة ولی تعیین عدد رکعات و سایر ارکان از واجبات و مستحباتش در بیان مبین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله میباشد .

همین قسم است سایر احکام و قوانین دین که کلیات آنها در قرآن مجید آمده و جزئیات و شرائط و دستورات آنها در بیان رسول اکرم صلی الله علیه و آله میباشد .

پس همان قسمی که کلمه صلاة موجزاً در قرآن آمده ولی تشریح معنای صلاة و تعیین اعداد رکعات و سایر اجزاء و دستوراتش را پیغمبر داده و ما موظف عمل بآن دستورات هستیم .

همین قسم راجع بامامت و خلافت بعد از خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله هم در قرآن مجید موجزاً و مجعلا فرموده و اولی الامر منکم یعنی بعد از اطاعت خدا و پیغمبر اطاعت کنید صاحبان امر را .

بدیهی است مفسرین مسلمین از شیعه و سنی از پیش خود نمیتوانند اولی الامر را معنی کنند چنانچه کلمه صلاة را نمیتوانند بمیل و اراده خود معنی کنند زیرا در حدیث روایت فریقین است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود من فسر القرآن بر آیه فمعهده فی النار (۱) .

البته هر مسلمان عاقلی باید مراجعه کند به بیان مبین قرآن ببیند آیا از مبین

قرآن مجید خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در معنای اولی الامر خبری رسیده از آنحضرت سؤالی شده یا نه اگر سؤالی شده و حضرت رسول اکرم که مبین قرآن مجید است جوابی داده بر جامعه امت واجب است ترك عادت و تعصب نموده تبعیت و اطاعت نمایند گفتار و بیان آنحضرت را .

مدت مدیدی است که تفاسیر و کتب اخبار شیعه و سنی را کاملاً مطالعه نمودم بعدی که دلالت کند بر اینکه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده باشد مراد از اولی الامر امراء و سلاطین اند بر نخوردم ولی برعکس اخبار بسیاری در کتب فریقین (شیعه و سنی) موجود است که نقل نموده اند از رسول اکرم صلی الله علیه و آله معنای اولی الامر را سؤال نمودند

(۱) هر کس قرآن را برای خود تفسیر کند پس نشین گناه او آتش خواهد بود .

آنحضرت جو ابهای کافی داده و فرمودند مراد از اولی الامر علی و یازده فرزند بزرگوار آنحضرت اند الحال چند خبری بمقتضای وقت مجلس برای نمونه عرض میکنم البته متوجه باشید باخبار متواتری که از طرق اکابر علماء شیعه از طریق عترت طاهره و صحابه خاص رسیده ابدأ استشهاد نمی نمایم .

فقط بذکر چند خبر از اخبار بسیاری که از طرق آقایان اهل سنت و جماعت رسیده اکتفا نموده و قضاوت را بضمیر پاک و روشن آقایان با علم و منطق و انصاف و امیکذارم

۱- ابو اسحق شیخ الاسلام حمونی ابراهیم بن محمد در فرائد السمطین گوید آنچه از رسول خدا از عترت طاهره هستند

مراد از اولی الامر علی و آله
علی بن ابیطالب و اهل بیت رسول خدا هستند .

۲- عیسی بن یوسف همدانی از ابی الحسن و از سلیم بن قیس از امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود شریکان من کسانی هستند که خدای تعالی اطاعت ایشان را مقرون باطاعت خود نموده و در حق ایشان و اولی الامر منکم تنزیل فرموده باید از کلام ایشان بیرون نروید و فرمان بردار ایشان باشید و انقیاد از احکام و اوامر ایشان ننمائید - من چون این سخن را شنیدم عرض کردم یا رسول الله خبرده مرا از اولی الامر که آنها چه کسانیند فرمود یا علی انت اولهم .

۳- محمد بن مؤمن شیرازی که از أعظم علماء عامه و اهل تسنن بوده است در رساله اعتقادات روایت میکند که وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علی علیه السلام را در مدینه خلیفه قرار داد آیه شریفه و اولی الامر منکم نازل گردید در شان علی بن ابیطالب .

۴- خواجه کلان شیخ سلیمان بلخی حنفی در باب ۳۸ ینابیح الموده که مخصوص همین آیه قرار داده از مناقب نقل مینماید که در تفسیر مجاهد است که ان هذه الایة نزلت فی امیر المؤمنین علی علیه السلام حین خلفه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بالمدينة - یعنی این آیه نازل شده در حق امیر المؤمنین علی علیه السلام زمانیکه

خلیفه قرارداد او را پیغمبر صلی الله علیه و آله در مدینه عرض کرد یا رسول الله مرا خلیفه قرار میدهی بر زنها و بچهها حضرت فرمود اما ترضی ان تکون منی بمنزلة هرون من موسی آیا راضی نیستی که تو از من بمنزله هرون باشی از موسی - یعنی همان قسمی که هارون را خداوند خلیفه موسی قرار داد تو را هم خلیفه من قرار داد .

۵- و از شیخ الاسلام حمونی نقل میکند بسند خودش از سلیم بن قیس هلالی که گفت در دوره خلافت عثمان جماعتی از مهاجر و انصار را دیدم نشسته و فضائل خود را نقل میکنند و علی در میان آنها ساکت نشسته بود عرض کردند یا علی شما هم حرف بزنید حضرت فرمودند آیا این فضائلی که نقل میکنید خدای تعالی برای خودتان عطاء فرموده یا بوسیله غیر ؟ عرض کردند خدا منت بر ما گذارده بوجود محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود آیا نمیدانید که پیغمبر فرمود من و اهل بیت من نوری بودیم که سعی مینمودیم بین قدرت خدای تعالی قبل از اینکه خلق کند آدم را بچهارده هزار سال پس چون آدم را خلق فرمود ان نور را در صلب او قرار داد که بزمن آمد و در پشت نوح قرار داد در میان کشتی و در صلب ابراهیم در میان آتش همین قسم از اصلاب پاک برجهای پاکیزه از پدرها و مادرهایی که یکی از آنها از حرام نبودند - سابقین از اهل بدر و احد گفتند بلی ما شنیدیم از رسول خدا صلی الله علیه و آله این جملات را فرمود شما را بخدا قسم میدانید که خداوند در قرآن مجید فضیلت داده است سابق را بر مسبوق و سبقت نگرفته است احدی بر من در اسلام گفتند بلی فرمود قسم میدهم شما را بخدا آیا میدانید وقتی نازل شد آیه شریفه و السابقون السابقون اولئک المقربون (۱) سؤال کردند رسول خدا صلی الله علیه و آله را از سابقین و اینکه این آیه در چه چیز نازل گردیده فرمود انزلها الله عز وجل

فی الانبیاء و اوصیائهم فانما افضل الانبیاء و رسله و علی وصی افضل الاوصیاء نازل گردانید خدای عز وجل این آیه را در حق انبیاء و اوصیاء آنها پس من بهترین انبیاء و رسولان او هستم و علی وصی من بهترین اوصیاء میباشد آنگاه فرمود شما را

(۱) آنانکه در ایمان بر همه پیشی گرفتند (در اطاعت خدا و رسول مقام تقدم یافتند) بحقیقت مفران در گاهند آیه ۱۰ سوره ۵۶ (واقعه) .

بخدا قسم آیا میدانید وقتی نازل شد آیه اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم (۱) و آیه انما ولیکم الله ورسوله واذین آمنوا الذین یتقون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم را کمون (۲) و آیه ولم یتخذوا من دون الله ولارسوله ولا المؤمنین ولیجة (۳) .

خدای متعال امر فرمود پیغمبرش را که معرفی نماید ولات امر را و تفسیر نماید بر آنها ولایت را همان قسمی که تفسیر نمود برای آنها نماز و زکاة و حج را پس نصب نمود سرا بر مردم در ندر رخم و فرمود ایها الناس بدستی که خداوند جل جلاله مرا بر رسالت فرستاد تنگک شد سینه من گمان کردم مرا تکذیب مینمایند آنگاه فرمود العلمون ان الله عز و جل مولای و انا مولی المؤمنین و انا اولی بهم من انفسهم آیا میدانید که خدای عز و جل مولای من و من مولای مؤمنین هستم و من اولی بتصرف هستم بآنها از نفسهای آنها عرض کردند بلی یا رسول الله پس دست مرا گرفت و فرمود من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه یعنی هر کس را من مولی و اولی بتصرف باو هستم پس علی مولی و اولی بتصرف در او میباشد خدایا دوست بدار کسی که علی را دوست بدارد و دشمن بدار کسی که علی را دشمن بدارد (این خبر نیز مؤید اخبارست که قبلا در لیالی ماضیه در جلسات خصوصی عرض کردم کلمه مولی بمعنی اولی بتصرف میباشد) سلمان برخاست عرض کرد یا رسول الله ولایت علی چگونه است فرمود ولایة علی کولائی من کنت اولی به من نفسه فعلی اولی به من نفسه یعنی ولایت علی مثل ولایت من است هر کس را من اولی بتصرف هستم باو از نفس او پس علی اولی بتصرف است باو از نفس او پس نازل شد آیه ولایت الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً پس پیغمبر فرمود

(۱) اطاعت کنید خدا و اطاعت کنید رسول و فرمان داران (از طرف خدا و رسول را) که صاحبان امرند - آیه ۶۲ سوره ۴ (نساء) .
(۲) جز این نیست که اولی بتصرف در امور شما خدا و رسول و آن مؤمنانی هستند که نماز پیاداشته و در حال رکوع زکوة میدهند که باتفاق مفسرین خاصه و عامه اتفاق کنند در حال رکوع علی علیه السلام بوده) . (رجوع شود به ص ۴۷ تا ۵۰ همین کتاب) آیه ۶۰ سوره ۵ (مائده) .
(۳) و نکره اند از غیر خدا و نه رسولش و نه مؤمنین دوست پنهانی - آیه ۱۶ سوره ۹ (توبه) .

الله اکبر با کمال الدین و اتمام النعمة و رضاء ربی بر سالتی و ولایة علی بعدی یعنی بزرگست خدای تعالی که دین را کامل و نعمت را تمام نمود و رضا داد رسالت را برای من و ولایت را برای علی بعد از من (این خبر نیز مؤید اخباری است که در لیالی ماضیه در جلسات خصوصی عرض کردم که کلمه مولی بمعنی اولی بتصرف میباشد) .

عرض کردند بیان نما برای ما اوصیاء خودت را فرمود علی اخی و وارثی و وصیی و ولی کل مؤمن من بعدی ثم ابنی الحسن ثم الحسین ثم التسعة من ولد الحسین القرآن معهم و هم مع القرآن لا یفارقونه و لا یفارقهم حتی یردوا علی الحوض یعنی اوصیاء من عبارتند از علی برادر و وارث و وصی من و ولی هر مؤمن بعد از من پس فرزندان من حسن و حسین پس از آن نه نفر از اولاد حسین اند قرآن با آنهاست و آنها با قرآن اند از هم جدا نمیشوند تا در کنار حوض (یعنی در قیامت) بر من وارد شوند .

و بعد از این خبر مفصل که قسمتی از آنرا باقتضای وقت مجلس عرض نمودم سه خبر دیگر از مناقب از سلیم بن قیس و عیسی بن السری و ابن معاویه نقل میکنند که مراد از اولی الامر ائمه اثنا عشر و اهل بیت طهارتند .

گمان میکنم برای اثبات معنای اولی الامر همین چند خبری که ذکر نمودیم کافی باشد .

و اما راجع بعد و شماره و اسامی مقدسه ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین هم فقط بی چند خبری که از طرق علماء بزرگ عامه و اهل تسنن نقل شده استشهاد مینمایم و از اخبار متکثرة متواتره ای که از طریق عترت و اهل بیت طهارت رسیده صرف نظر مینمایم .

در باب اسامی و اعداد ائمه اثنا عشر

شیخ سلیمان بلخی حنفی در باب ۷۶ ینایع الموده از فرائد السمطین شیخ الاسلام حوینی از مجاهد از ابن عباس نقل مینماید که مرد یهودی نقل نام مشرف شد خدمت رسول اکرم ﷺ مسائل چندی از توحید سؤال نمود

حضرت هم جوابهایی دادند (که بمناسبت ضیق وقت از نقل آنها خود داری مینمایم) آنگاه نعتل بشر فاسلام مشرف گردید بعد عرض کرد یا رسول الله هر پیغمبری وصی داشته و پیغمبر ما موسی بن عمران عليه السلام بیوشع بن نون وصیت نموده ما را خبر ده که وصی شما کیست حضرت فرمود ان وصی علی بن ایطالب و بعده سبطای الحسن و الحسین تملوه تسعة أئمة من صلب الحسین یعنی وصی من علی بن ایطالب است و بعد از او دو دخترزاده من حسن و حسین و بعد از ایشان نه نفر امامان از صلب حسین عليه السلام میباشند نعتل عرض کرد تمنا دارم اسامی شریفه ایشان را برای من بیان فرمائی حضرت فرمود

اذا مضى الحسين فابنه علي فاذا مضى علي فابنه محمد فاذا مضى محمد فابنه جعفر فاذا مضى جعفر فابنه موسى فاذا مضى موسى فابنه علي فاذا مضى علي فابنه محمد فاذا مضى محمد فابنه علي فاذا مضى علي فابنه الحسن فاذا مضى الحسن فابنه الحجة محمد المهدي فهؤلاء اثنا عشر پس از ذکر اسامی امامان نه گانه و توضیح دادن آنکه هر پدری در گذشت پسرش بجای پدر امام است تا امام دوازدهم که بنام محمد مهدی معرفی فرموده ذیل خبر مفصل است که طریقه شهادت هر يك را سؤال نموده و حضرت جواب داده آنگاه نعتل گفت اشهدان لا اله الا الله و انتك رسول الله و اشهد انهم الاوصياء بعدك یعنی شهادت میدهم بوحدانیت خدا و رسالت شما و شهادت میدهم که آن دوازده نفر اوصیاء بعد از شما میباشند هر آینه بتحقیق آنچه فرمودی در کتب انبیاء پیشین دیده ام و در وصیت نامه حضرت موسی کاملاً ثبت است.

آنگاه حضرت فرمودند طوبی لمن احبهم و اتبعهم و ویل لمن ابغضهم و خالفهم یعنی بهشت برای کسی است که آنها را دوست بدارد و متابعت کند و جهنم برای آنکس است که آنها را دشمن بدارد و مخالفت کند آنگاه نعتل در حضور آنحضرت اشعاری انشاد نمود و گفت:

صلى الله ذوالعلى عليك يا خير البشر انت النبی المصطفى والهاشمی المفتخر
بكم هدانا ربنا و فیک فرجوا ما امر و معشر سمیتهم أئمة اثني عشر

حبا هم رب العلی ثم اصطفاهم من کدر قد فاز من والاهم و خاب من عادى الزهر
آخرهم یعنی الظما وهو الامام المنتظر و عترتك الاخيار لی و التابعین ما امر
من کان عنهم معر ضافسوف تصلاه سقر (۱)

۲ - و نیز خواجه کلان در باب ۷۶ ینابیع از مناب خوارزمی از واثله بن اسفح ابن قرخاب از جابر بن عبدالله انصاری - و ابوالفضل شیبانی از محمد بن عبد الله بن ابراهیم شافعی و او بسند خود از جابر انصاری (که از صحابه خاص رسول الله صلی الله علیه و آله) بوده است نقل مینماید که گفت مردی از یهود بنام جندل بن جنادة بن جبیر خدمت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله مشرف شد بعد از سؤال مسائل توحید و شنیدن جوابهای کافی شهادتین بر زبان جاری و مسلمان شد آنگاه عرض کرد شب گذشته در عالم رؤیا خدمت موسی بن عمران رسیدم بمن فرمود که اسلم علی ید محمد خاتم الانبیاء و استمسک اوصیاءه من بعده یعنی اسلام بیاور بر دست محمد خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و متمسک شو باوصیاء بعد از او.

حمد خدارا که مرا مشرف بدین اسلام فرمود اینک بفرما اوصیاء شما کیانند که بآنها متمسک کردم حضرت فرمودند اوصیاء من دوازده نفرند عرض کرد چنین است: من هم همین قسم در توراة یافتهام ممکن است اسامی آنها را برای من بیان فرمائی.

حضرت فرمودند اولهم سید الاوصیاء ابو الائمة علی ثم ابناؤه الحسن والحسین اول آنها سید و آقای اوصیاء و پدر امامان علی عليه السلام و پس از آن دو فرزندش حسن و حسین اند.

تو این سه نفر را ملاقات میکنی آنگاه عمرت باخر میرسد در وقتیکه زین العابدین

(۱) درود و رحمت خدای بزرگ بر تو باد ای صاحب مقام عالی که بهترین افراد بشری تو پیغمبر بر گزیده هاشمی نسبی و بان مفتخری بسبب شما هدایت شدیم و بوسیله تو امیدرهای از آتش دوزخ داریم و جمعیت خلفاء شما نامیده شدند اثناعشر زیرا خدای بزرگ ایشاترا بلندرتبه و پاک و پاکیزه از هر عیب و ریب نموده است نجات مییابد آنکس که بایشان تسک جوید، هر کس دشمنی با ایشان نماید زیانکار گردد و دوازدهمی آنها که امام منتظر است بظهور خود شیعیان تشنه دیدار را سیراب مینماید و خاندان شما آن برگزیده گانی هستند که مامور متابعت از ایشانیم و کسیکه از ایشان اعراض کند در آتش دوزخ جاوید خواهد ماند.

متولد گردد و آخرین زاد و توشه تو از دنیا يك شربت شیر خواهد بود پس متمسك باش بایشان مبادا جهل جهال ترا مغرور نماید .

عرضکرد من در توریة و کتب انبیاء اسم علی و حسن و حسین را بنام ایلیا و شیر و شبیر دیده‌ام تمنا دارم اسامی بعد از حسین را بیان فرمائی حضرت فرمودند

إذا انقضت مدة الحسين فالامام ابنة علي يلقب بزین العابدین فبعده ابنة محمد يلقب باباقر فبعده ابنة جعفر يدعى بالصادق فبعده ابنة موسى يدعى بالكاظم فبعده ابنة علي يدعى بالرضا فبعده ابنة محمد يدعى بالتقي و الزكي فبعده ابنة علي يدعى بالتقي والهادي فبعده ابنة الحسن يدعى بالعسكري فبعده ابنة محمد يدعى بالمهدي والقائم والحجة فيغيب ثم يخرج فاذا خرج يملاء الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً وظلماً پس از اینکه اسامی نه نفر امامان بعد از ابا عبدالله الحسين را با لقبهای آنها بیان نمود فرمود نهی آنها محمد مهدی قائم و حجة غایب میشود پس از آن خروج مینماید و زمین را پر از عدل و داد میکند هم‌چنانیکه پر از ظلم و جور شده باشد .

طوبى للصابرين فى غيبته طوبى للمقيمين على محبتهم اولئك الذين وصفهم الله فى كتابه و قال هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب ثم قال تعالى اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم الغالبون .

یعنی بهشت برای صبر کنندگان در غیبت آنحضرت است و بهشت برای باقی ماندگان در محبت آنها است آنها هستند که خداوند در قرآن مجید آنها را وصف نموده که اهل تقوی (که قرآن مجید آنها را هدایت مینماید) کسانی هستند که ایمان بغیب می‌آورند (که مراد غیبت آنحضرت است) و آنها هستند حزب الله که در قرآن میفرماید بدانید که حزب خدا غالب‌اند .

۳ - ابوالمؤید موفق بن احمد اخطب الخطباء خوارزمی در مناقب بسند خود نقل مینماید از ابو سلیمان راعی رسول خدا ﷺ که گفت شنیدم از آنحضرت که میفرمود در شب معراج خدای متعال بمن وحی فرمود که یا محمد نظر کردم بسوی اهل زمین

وتورا از میان ایشان بر گزیدم و نامی از نامهای خود برای تو جدا کردم یادنشوم درجائی مگر آنکه تو بامن یاد شوی من محمودم و تو محمد (ﷺ) بعد از تو علی را از میان اهل زمین بر گزیدم و نامی از نامهای خود برای او جدا کردم منم اعلی و او است علی (ع) یا محمد تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از اولاد حسین را آفریدم از نور خود و ولایت شما را بر آسمانها و زمینها عرض کردم پس هر کس قبول کرد از مؤمنان است و هر کس انکار کرد از کافران است یا محمد میخواهی ایشانرا ببینی عرض کردم بلی خطاب فرمود :

انظر الى يمين العرش فنظرت فاذا علي والحسن والحسين و علي بن الحسين و محمد بن علي و جعفر بن محمد و موسى بن جعفر و علي بن موسى و محمد بن علي و علي بن محمد والحسن بن علي و محمد المهدي ابن الحسن كأنه كوكب درى بينهم .

یعنی نظر کن بطرف راست عرش چون نظر کردم دیدم (دوازده نفر اوصیاء خود را) و اسمهای آنها را يك يك بیان نمود تا آنکه فرمود محمد مهدی فرزند حسن در میان آنها مانند کوكب درى و ستاره درخشان بود آنگاه خطاب الهی رسید یا محمد هؤلاء حججی علی عبادی وهم اوصياؤك .

یعنی اینها حجّت های منند بر بندگان من و اوصیاء تو هستند .

کمان میکنم برای اثبات مدعای ما در مقابل آن اشخاصی که می گویند اعداد و اسامی ائمه اثنا عشر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نرسیده همین سه خبر من باب نمونه از طرف روات معتبره ا کابر علمای سنت و جماعت بمقتضای وقت مجلس کافی باشد .

و اگر کسی طالب بیش از اینهاست مراجعه کند بمناقب خوارزمی و بنایع الموده سلیمان بلخی حنفی و فرائد السمطین حموینی و مناقب محدث قمیه ابن مغازلی شافعی و مودة القری میر سید علی همدانی شافعی و فصول المهمة مالکی و مطالب السنول محمد بن طلحه شافعی و تذکره سبط ابن جوزی و دیگران از علماء که همگی از

أفاضل وأكابر علماء عامه وأهل تسنن هستند تا ببینند زیاده از صدخبر از طرق برادران سنت و جماعت درباره خلفاء و ائمه اثناعشر بعد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیده با استثناء اخبار شیعه که لا تعد ولا تحصى است.

میر سید علی همدانی شافعی در موده دوازدهم از عدد خلفاء بعد از پیغمبر (ص) موده القریب نقل مینماید از عمر بن قیس که گفت ما در حلقه ای که عبدالله بن مسعود در او بودند نشسته بودیم اعرابی آمد سؤال نمود کدام یک از شما عبدالله هستید عبدالله گفت من هستم گفت یا عبدالله آیا پیغمبر صلی الله علیه و آله از خلفاء بعد از خود بشما خبر داد در جواب گفت بلی پیغمبر فرمود الخلفاء بعدی اثنا عشر عدد نقباء بنی اسرائیل یعنی خلفاء بعد از من دوازده میباشند بعدد نقباء بنی اسرائیل (که دوازده نقیب بودند).

و نیز از شعبی از مسروق از عبدالله شیبه این خبر را نقل نموده . و نیز از جریر از اشعث از عبد الله بن مسعود و از عبد الله بن عمر از جابر بن سمره همگی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده اند که فرمود: الخلفاء بعدی اثنا عشر بعدد نقباء بنی اسرائیل و در خبر عبدالملک است که فرمود: کلهم من بنی هاشم یعنی آن دوازده خلیفه بعد از من که بعدد نقباء بنی اسرائیل اند تمام از بنی هاشم اند.

علاوه بر این کتابها که ذکر نمودیم سایر علمای مهم اهل تسنن در کتابهای خود متفرقاً باقتضای هر محلی اخبار بسیاری در این باب آورده اند که خواجه کلان سلیمان بلخی حنفی باب ۷۷ ینابیع الموده را اختصاص باین موضوع داده و اخبار بسیاری در این باب نقل نموده از شیخین و ترمذی و ابی داود و مسلم و سید علی همدانی و شعبی و غیرهم .

از جمله گوید یحیی بن حسن فقیه در کتاب عمده از بیست طریق نقل نموده که ان الخلفاء بعد النبی صلی الله علیه و آله و آله اثنا عشر خلیفة کلهم من قریش یعنی خلفاء بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله دوازده خلیفه میباشند که تمامشان از قریش اند.

و بخاری از سه طریق و مسلم از نه طریق و ابی داود از سه طریق و ترمذی از یک طریق و حمیدی از سه طریق نقل نموده اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خلفاء و امامان بعد از من دوازده نفرند تمام آنها از قریش اند و در بعضی از آن اخبار است که کلهم من بنی هاشم .

تا آنجا که در ص ۴۴۶ گوید بعضی از محققین علماء (یعنی علماء عامه و اهل تسنن) گفته اند احادیث داله بر اثبات امامت خلفاء بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله دوازده نفر بطرق بسیاری مشهور است که آدمی میداند مراد رسول الله صلی الله علیه و آله از تعیین عدد خلفاء بعد از خود ائمه اثناعشر از اهل بیت و عترت خودش میباشد . و ممکن نیست مطابقت این احادیث با خلفاء از صحابه بعد از آنحضرت چنانکه پیغمبر تعیین عدد دوازده فرموده (و آنها چهار بودند) .

و نیز حمل نمیشود بر سلاطین بنی امیه برای آنکه از دوازده نفر بیشتر بودند (سیزده نفر بودند) علاوه بر آنکه همگی ظالم بودند با استثناء عمر بن عبدالعزیز (در اثبات ظلم عمر هم کافیست در غصب خلافت و خانه نشین نمودن امام وقت صلی الله علیه و آله) و از بنی هاشم هم نبودند نظر بفرموده آنحضرت که کلهم من بنی هاشم .

و نیز حمل بر ملوک بنی عباس هم نمیشود برای آنکه عدد آنها بیشتر از دوازده بوده (سی و پنج نفر بودند) و ابداً هم رعایت نمودند توصیه خداوند متعال را در باره عترت که در آیه ۲۲ سوره ۴۲ (شوری) فرمود قل لا اسئلكم علیه اجر الا الموده فی القریب - و حدیث کساء .

پس لابد باید حمل شود اینهمه اخبار و احادیث وارده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر امامان دوازده گانه از عترت و اهل بیت طهارت پیغمبر صلی الله علیه و آله (بعقیده امامیه اثنا عشریه) لانهم كانوا اهل زمانهم و اجلهم و اورعهم و اتقاهم و اعلاهم نسبا و افضلهم حسبا و اکرمهم عند الله و كان علومهم عن آبائهم متصلا بجدتهم و بالوراثه و اللدنیة کذا عرفهم اهل العلم و التحقیق و اهل الکشف و التوفیق یعنی برای آنکه آنها أعلم و اجلا و اورع و اتقای اهل زمانشان بودند و بالان

از آنها از حیث نسب و افضل آنها از حیث حسب و کرامی ترین آنها نزد پرورد کارند و علوم آنها اِرتا (و موهوباً) از طریق پدرانشان متصل بر رسول الله ﷺ بوده و اهل علم و تحقیق کشف کنندگان با توفیق آنها را باین قسم تعریف و معرفی نمودند .

و تأیید میکند این عقاید را که مراد پیغمبر ﷺ از تعیین خلفاء بعد از خود امامان دوازده گانه از عترت و اهل بیت او میباشند حدیث شریف ثقلین (که طبق روایات صحیحه فریقین شیعه و سنی بعد توأتر رسیده) که آنحضرت فرمود **انی تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي لن يفترقا حتى يردا على الحوض ان تمسكتم بهما لن تضلوا بعدها ابداً (۱)** .

و نیز احادیث بسیاری که در این کتاب ذکر گردیده مؤید این معنی میباشد .
انتهی کلام خواجه .

این بود مختصری از اظهار نظر و عقاید علماء عامه و اهل تسنن تا امر را بر شما مشتبّه نکنند و نگویند شیعیان رافضی هستند و غلو میکنند بلکه بدانید علم و انصاف اگر توأم شدند نتیجه همین نظرهای پاک میباشد خواه شیعه باشد یا سنی .

علاوه بر اخبار کثیره که نقل نموده اند در اثبات مقام امامت ائمه اثنا عشر سلام الله علیهم اجمعین - نظریات پاک آنها راهنمای شما میباشد تا آقایان حاضرین و همچنین غائبین از مجلس ما بدانند که جامعه شیعیان اگر اطاعت و متابعت و پیروی از ائمه اثنا عشر از عترت و اهل بیت پیغمبر مینمایند بحکم قرآن مجید و فرموده رسول اکرم ﷺ میباشد .

و نقل اسامی مقدسه و اعداد دوازده گانه و صفات عالیه آن ذوات مکرمه فقط در اخبار شیعیان متواتراً نرسیده بلکه در کتب معتبره علماء بزرگ عامه متفرقاً بسیار ذکر گردیده .

(۱) بدرستی که میگذارم در میان شما دو چیز نفیس بزرگ را که کتاب خدا (قرآن مجید) و عترت من باشد که از هم جدا نمیشوند تا در کنار حوض (کوثر) بر من وارد شوند اگر چنگ بزنید باین دو هرگز گمراه نمیشوید بعدها ابداً .

عادت جاهلانہ و تعصب مانع

از وصول بحقیقت است

فرق ما با علماء عامه آنستکه آنها نقل اخبار میکنند و تفسیر و آیات قرآن مجید نازله در حق آن خاندان جلیل را مینویسند و اظهار نظر هم

مینمایند ولی تحت تأثیر عادت قرار گرفته و پیرو اسلاف خود بدون برهان و دلیل میباشند و بعضی راهم تعصب مانع است که بزبان تصدیق نمایند پس بی مورد نیست اگر گفته شود که سیر تکامل و ارتقاء در وجود این افراد بکلی بی اثر مانده هوی و عادت بر فوه عاقله غالب آمده !! .

بلکه گاهی در مقام تشریح اخبار منقوله از رسول اکرم ﷺ تاویلات بارده ای مینمایند که از برودت یخ بمراتب بیشتر است که باعث تعجب اهل علم و تحقیق میگردد .

بیان جاحظ در وصول الی الحق

اگر از روی واقع و حقیقت پرده تعصب و عناد را بر کنار زنند براهتمائی علم و عقل و انصاف (در

عین تعصب) حق را واضح و آشکار می بینند چنانکه ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ بصری معتزلی که از علماء محققین و اعیان متعصبین متقدمین عامه میباشد صاحب کتاب البیان و التبیان متوفی سال ۲۵۵ هجری اشاره باین حقایق دارد و خواجه کلان حنفی در باب ۵۶ ینایع الموده بعض از کلمات او را ثبت نموده که گوید **ان الخصومات نقصت العقول السلیمة و افسدت الاخلاق الحسنه من المنازعة فی فضل اهل البیت علی غیرهم فالواجب علینا طلب الحق و اتباعه و طلب مراد الله فی کتابه و ترک التعصب والهوی و طرح تقلید السلف والاساتید والاباء (۱)** .

ولی جای تأسف است که با چنین نظری که بی اراده بزیر قلمشان جاری میگردد

(۱) بدرستی که خصومات باعث نقصان عقول سلیمه و فساد اخلاق حسنه میباشد از نزاع نمودن در فضل اهل بیت بجز غیر آنها پس واجب است بر ما طلب حق و تبعیت از آن و طلب نمودن مراد خدای تعالی در قرآن ترک تعصب و هوای نفس و دور افتادختن تقلید گذشتگان از اساتید و پدران خود و اثبات نمودن مقام فضل اهل بیت و عترت طاهره پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بر دیگران .

مع ذلك عادت و تعصب بر علم و عقلشان غالب و برخلاف حقیقت تبعاً للاسلاف راه پیما شده و موجب تأثر عقلاء گردیده اند.

در تحت تأثیر عادت و تعصب بمخاصمه و منازعه برخاسته روی هوای نفس دیگران را من غیر حق بر اهل بیت طهارت مقدم داشته نصوص وارده از قرآن و اخبار معتبره را بر کنار زده تابع اسلاف بدون دلیل و برهان گردیده.

مثلاً از روی جهالت و تعصب ابوحنیفه یا مالک یا دیگران از فقهاء و عالم نمایان را که صاحبان رأی و قیاس و از علم بی بهره بوده اند پیروی میکنند ولی بقیه اهل بیت طهارت امام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام توجیهی نمینمایند.

و حال آنکه اکابر علماء خودشان مانند ابن ابی الحدید در دیباچه شرح نهج البلاغه مینویسد آنان خوشه چین خرمن علم و دانش خاندان جلیل عصمت و طهارت و نمایندگان خاص رسول الله ﷺ بوده اند (چنانچه در این کتاب مشروحاً ذکر گردید).

اقرار منصفانه شیعیان
ولی ما شیعیان چون از خدای قادر متعال میترسیم و بروز بازسین و یوم الجزاء معتقدیم وقتی همین دلائل و براهینی را که اکابر علماء سنت و جماعت هم در کتب معتبره خود ثبت نموده اند دیدیم بر عادت و تعصب غالب آمده اقرار و اعتراف مینمائیم قلباً و لساناً آنچه رسول اکرم ﷺ فرموده و در دستورات الهی وارد است و پیروی مینمائیم از همان کتاب مقدس و عترت طاهره ای که آنحضرت بپاسپرده و امیدواریم بسعادت ابدی نائل آئیم.

چه آنکه رسول اکرم ﷺ سعادت و نجات ابدی را بمحبت و متابعت آن خاندان جلیل فرار داده چنانکه حافظ ابن عقده احمد بن محمد کوفی همدانی که از علماء عامه است نقل مینماید از علماء و مشایخ خودشان از عبدالقیس که گفت در بصره از ابو ایوب انصاری حدیث مفصلی را شنیدم تا آنجا که گفت شنیدم از رسول خدا ﷺ که فرمود شب معراج نظر کردم بر ساق عرش دیدم نوشته است لا اله الا الله محمد رسول الله ایدته بعلی و نصرته به سپس نوشته شده بود الحسن والحسین و علی و علی و محمد و محمد و جعفر و موسی و الحسن و الحجّة عرض کردم الهی ایشان

کیانند: وحی شد اینها اوصیاء تو هستی بعد از تو قطوبی لمحبیهم و الویل لمبغضیهم یعنی بهشت برای دوستان آنها و جهنم برای دشمنان آنان میباشد.

(آنگاه خطاب به آقای نواب نموده گفتم جناب نواب آیا جواب اشکال در شب شما داده شد وقانع شدید یا باز اضافه نمایم).

نواب - کمال تشکر را دارم بنحو اتم و اکمل مستفیض شدیم دیگر شبهه و اشکالی در دل اهل دل باقی نمانده خداوند بشما و ما جزای خیر مرحمت نماید (همگی آمین گفتند).

(خود داعی هم با توجه کامل آمین گفتم چون امید عوض و جزائی جز از خدای تعالی ندارم که بواسطه خاندان با عظمت محمد و آل محمد سلام الله علیهم اجمعین بما نظر لطف و عنایت فرماید کما اینکه تا امروز فرموده امید است تا روز آخر هم مشمول مراحم و الطاف بلا انتهای او باشیم).

داعی - خیلی معذرت میخواهم از آقایان محترمین اهل مجلس خاصه جناب حافظ و برادران عزیز اهل تسنن مهمانان محترم که رشته سخن اجباراً طولانی شد ولی در خاتمه عرایض ناچارم مختصری از عقاید درونی خود را برای بیداری برادران عزیزم بیان نمایم.
تذکرات و نصایح مشفقانه
برادران شیعه و سنی
و این بیان داعی پیامیست از ما بتمام برادران مسلمان از شیعه و سنی که با کمال جدیت مورد عمل قرار دهند.

اولاً بدانید که غرض از ذکر آیات و اخبار و اقامه دلائل و براهین منطقیه که در لیالی ماضیه ایراد شده آن نبوده که بر خصم غالب آئیم. چون ما خصمی در مقابل خود نمی بینیم بلکه در مقابل برادران مسلمان خود قرار گرفته ایم که روی عادت در هر دوره تحت تأثیر گفتار بقایای خوارج و نواصب قرار گرفته و در اشتباه افتاده اند ولی القاء شبهات و اشکالات و عداوت بخاندان رسالت و اهل بیت طهارت را از ناحیه نواصب و خوارج و امویها میدانم.

فلذا بر ما لازم است که بدون کینه و عداوت با مبروحه برهان و منطق کرد و غبار کدورت و کدورت را از روی قلوب صافیه آنها دور نمائیم و اثبات حقایق نموده و آنها را با راهزنان خوارج و نواصب و اِلْقای شبهات آنها آشنا و رفع اشتباه بنمائیم.

اگر باما در طریق حق و حقیقتی که خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم دستور داده اند و اکابر علمای خودشان بما رسانندند (و بی پرده بگویم نوشته های علمای بزرگ آنها بهتر راهنمای تن بمقام ولایت گردیده) همصدا شدند کمال مسرت و امتنان حاصل میشود.

چنانچه خمود در عادت و تعصب مانع از همصدا شدن گردد باز هم آنها را برادران خود دانسته بدون کینه و عداوت برادرانه تمام شیعه و سنی یکدیگر را در آغوش محبت گرفته در اعلاء کلمه توحید دست اتحاد و اتفاق بهم داده تا دشمنان قرآن بر ما غالب نیابند.

چه آنکه امروزه ما مسلمانان بیش از همه وقت احتیاج باتحاد و اتفاق داریم زیرا اطراف ما را دشمنان قوی پنجه گرفته اند و یگانه راهی که سبب غلبه آنها بر ما میگردد نفاق و دوئیت ما است.

مگر نه اینست که پیغمبر عظیم الشان ما خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله فرمود ببدء الاسلام غریباً سیعود غریباً یعنی اسلام در روز اول ظهور غریب بود زود است عود می کند بحالت غربت ممکن است زمانی که پیغمبر خبر داده همین زمان ما باشد زیرا که آثار غربت آن ظاهر و هویدا است.

در آن زمان که ظهور حقیقت در شبه جزیره العرب شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله برای هدایت خلق مبعوث برسالت گردید عالم توحید در محاصره کفر قرار گرفته اعدای دین زحمات انبیاء را ناچیز کرده یهود و نصارا و اهل ماده و طبیعت و بت پرستها و کوچک ابدالها و دست نشاندگان آنها بتمام معنی در دنیای آن روز حکم فرمائی می نمودند و قلیلی از اهل توحید که بودند در محاق کفر قدرت عرض اندام نداشتند

پیغمبر توحید خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بازحمت بسیار در مقابل فشارهای طاقت فرسای آنها استقامت نمود تا آنکه در قلیل مدتی موفق با علای کلمه توحید و غلبه بر مشرکین گردید.

اتحاد و اتفاق موجب سیادت است

عالم و پرچم توحید را در عالم بلند کرد بزرگترین حربه آن حضرت در غلبه بر کفار و مشرکین بر حسب ظاهر ایجاد توحید و وحدت خالص بود که با تدای لطیف قولوا لا اله الا الله تفلحوا افراد متفرق و متشتت عرب را با هم متحد و متفق نمود.

و در اثر تعالیم عالیه آنحضرت و ایجاد اتحاد و اتفاق در آنها بود که مسلمین بيقوه و قدرت صدر اسلام با مجهز نبودن بقوای جنگی آنروز که دول متمدن بزرگ آن زمان (ایران و روم) مجهز بودند با قلت عدد حمله بر کفار بت پرست و آتش پرست مجوس و مشرکین باقائیم ثلاثه و اشیاع آنها نمودند در کمتر از نیم قرن پرچم توحید را از قسطنطنیه و مدائن (تیسفون) و اسپانیا تا قاره اروپا باهتر از در آوردند.

اگر بدیده بصیرت بنگرید معنای سیعود غریباً را امروز در عالم اسلام مشاهده میکنید عالم توحید امروز در محاصره کفار قرار گرفته (و چون پرچم دار توحید حقیقی که با دلائل عقلیه و براهین عقلیه ثابت آمده در عالم انسانیت فقط مسلمینند) لذا تمام حملات اعدای بما مسلمین است.

از طرفی ارباب ماده و طبیعت و اتباع ذیمقراطیس و مرهند و مزدک و داروین و بختگر و کوچک ابدالها و دست نشاندگهای آنها در ممالک اسلامی.

و از طرف دیگر سیاستمداران مال مسیحی و درباریان خود خواه جاه طلب و اتمیکان یاپ - مسلمین موحد جهان را محاصره نموده اند و برای فنا و نابودی مامنتهای سعی و کوشش رامینمایند.

و بزرگترین حربه دول استعماری برای محو و نابودی و غلبه بر ما تولید اختلاف و نفاق است و باتمام قوا جدیت مینمایند که سنگ تفرقه در میان مسلمانان انداخته

در اثر دوئیت و نفاق و بدبینی مسلمانان یکدیگر بر آنها غالب آیند و حکومت بنمایند (چه آنکه در میان آنها معروف است که گویند نفاق بینداز و حکومت بنما).

ایضا مواظب مشفقانه برادران شیعه و سنی
آقایان محترم برادران شیعه و سنی روز غربت اسلام است همان قسمیکه پیغمبر بزرگ مادر هزار و سیصد و پنجاه سال قبل با متحد نمودن اعراب پراکنده و ایجاد اتفاق در مسلمین براعدی با قدرت - غالب آمد.

امروز هم یگانه وسیله پیروزی ما و حفظ استقلالمان اتحاد و اتفاق است.
بقول شاعر شیرین زبان پارسی:

حسنت با اتفاق ملاحت جهان گرفت آری با اتفاق جهان میتوان گرفت
از قدرت اعدای نترسید فقط کاریکه میکنید خودتانرا مجهز نمائید نه فقط بتجهیزات مادی بلکه هر اندازه آنها مجهز بتجهیزات مادی از توپ و تفنگ و تانک و زره پوش و هواپیما و کازهای کشنده میشوند.

شماها علاوه بر تجهیزات ظاهریه که از لوازم حیاتی هر جامعه و ملت میباشد و از دستورات قرآن مجید است که در آیه ۶۲ سوره انفال میفرماید و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخیل ترهبون به عدو الله وعدوكم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم الله يعلمهم.

خلاصه معنی آنکه میفرماید و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آنها (یعنی با دشمنان) خودرا مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و آلات جنگی (باقضای هر زمان) و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید و بر گروه دیگری که شما بر دشمنی آنان مطلع نیستید و خدا با آنها آگاه است نیز مهیا باشید.

سعی و کوشش کنید بتجهیزات معنویه یعنی تولید اتحاد و اتفاق در جامعه نمائید دلها را پاک کنید بدبینی و دوئیت را از خود دور و افراد مسلمین را بنام شیعه و سنی و صوفی و شیخی و غیره از هم نپاشید.

اگر در مقام منازعه و اختلاف کلمه بر آمدید و تشکیل جنگهای داخلی دادید و صفها در مقابل هم بنام شیعه و سنی شیخی و صوفی متحد و متقدم قرار دادید قطع بدانید که آبروی شما میرود زیرا منازعه و اختلاف آبروها را میرد چنانچه در آیه ۴۸ سوره انفال (انفال) میفرماید ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم یعنی نراع و خلاف مکند باختلاف آراء پس بد دل شوید و آبروی شما برود.

و در آیه ۱۵۴ سوره ۶ (انعام) فرماید و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله خلاصه این راه راست مستقیم را متابعت کنید و متابعت نکنید راههای پراکنده را پس متفرق سازد آن طرق و راهها شما را از راه حق.

و نیز در آیه ۹۸ سوره ۳ (آل عمران) صریحاً فرموده واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا بچسبید به حبل متین و رسمان محکم خدا با هم در حالتی که متفرق نباشید یعنی متحد و متفق باشید.

خلاصه اگر بخواهید مقام از دست رفته خود را بدست آورید و سیادت اولیه نائل آئید (که هشتصد سال پرچمدار علم و تمدن و سیادت و آقائی جهان بودید) باید مجهز شوید بتجهیزات توحیدیه.

در آیه ۱۳۳ سوره ۳ (آل عمران) فرماید و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین یعنی سست نشوید و اندوهگین نگردید (خلاصه مایوس و نا امید نباشید از قدرت دیگران و ضعف خودتان) شما پیوسته فاتح و مافوق همه هستید بشرط آنکه به برنامه ایمانی عمل نمائید.

از جمله شرایط برنامه ایمان آنست که سوء ظن را از میان بردارید نسبت یکدیگر بدین نباشید حفظ الغیب یکدیگر را بنمائید چه آنکه سوء ظن

سوء ظن و غیبت موجب تفرقه وجدائی میباشد

و غیبت کردن تخم تفرقه وجدائی و مقدمه دوئیت و نفاق و بد بینی یکدیگر است.
فلذا اسلام غیبت را از گناهان کبیره شمرده و در قرآن مجید صریحاً منع از سوء ظن

و غیبت میکند و در آیه ۱۲ سوره ۴۹ (حجرات) فرماید **یا ایها الذین آمنوا اجنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضاً** خلاصه ای جماعت مؤمنین دور شوید و اجتناب نمائید از گمان بد در حق برادر مؤمن خود بدرستی که بعضی از گمانها گناه است و تجسس نکنید چیزهایی را که بر شما مخفی باشد از بدیها و عیوب مؤمنین و بعد از نهی کردن از کنجکاری و تجسس سد باب غیبت نموده میفرماید باید غیبت نکنید یکدیگر را (چه آنکه موجب بدبینی و کینه و عداوت شما یکدیگر و مقدمه جدائی میباشد).

در حدیث وارد است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود **ایاکم و الغیبة فان الغیبة کفشد من الزنا** یعنی بر شما باد که به پرهیزید و اجتناب کنید از غیبت پس بدرستی که غیبت کردن سخت تر است از زنا.

یا که علت آنکه غیبت کردن را شدید تر از زنا قرار داده آنست که زنا ضرر شخصی دارد و غیبت ضرر نوعی تا آنجا که فرماید زنا کننده اگر توبه کند بدون شرط پذیرفته و آمرزیده میشود ولی غیبت کننده تا کسی را که غیبت نموده راضی ننماید توبه اش قبول نمیشود باشرائطی که در کتب مبسوطه درج گردیده است.

یکی از وسائل و اسباب بدبینی مسلمانان یکدیگر و ایجاد کینه و عداوت بین آنها غیبت کردن و بدبینی و نمایی نمودن است پس غیبت را ترک کنید تا دوئیت و بدبینی از میان شما بر طرف شود.

از گمان بد برادران دینی اجتناب نمائید تمامی نکند که مفضوب خدا و خلق خواهید شد تمام ها و سخن چینیان را که مردمان فتنه جو و دو بهم زن هستند و خیر آوری میکنند از خود و جمعیتتان دور کنید تا تولید دوئیت و بدبینی در میان شما ننمایند چون ممکن است که آنها از ایادی مرموز بیگانگان باشند.

چون در میان این قبیل اشخاص غالباً جاسوسان بیگانه پیدا میشوند به لباس مسلمانان و برادران دینی که بوسیله تفتین و خیر آوری تولید اختلاف و نفاق میکنند و زمینه را برای غلبه دشمنان آماده و مهیا مینمایند بعضی با بیانات خود و برخی با قلم های

شکسته خود بنام تألیف و تصنیف رد بر شیعه و پیروان اهل بیت طهارت نوشتن ایجاد عداوت و دشمنی میان مسلمانان مینمایند و زیاده از صد میلیون شیعیان مسلمان را از جامعه مسلمین دور مینمایند.

آقایان محترم توجه نمایند مباحثات علمی و مناظرات مذهبی نباید بین مسلمانان تولید کینه و عداوت و ایجاد بدبینی نماید.

اگر در دل و معنی هر عقیده ای داریم همه گوینده **لا اله الا الله محمد رسول الله** میباشیم همگی یک کتاب و یک قبله داریم باید حفظ ظاهر را از دست ندهیم و لو ظاهر مجاز است ولی بمقتضای **المجاز فنظرة الحقیقة** ممکن است روزی ظاهر مبدل به باطن گردد پس باید با هم برادر باشیم فرصت بدست آعادی و دشمنان توحید ندهیم که باین وسیله بر ما غالب آیند.

شیعه و سنی نبایستی یکدیگر با نظر کینه و عداوت بنگردند بلکه باید خوش روئی خوش بینی را نسبت یکدیگر حفظ کنند.

داعی که کوچک تر از همه مسلمین هستم و بنام واعظ و مبلغ دینی شناخته شده ام از بالای این منبر اعلام میدارم که از حول و قوه پروردگار (که قسم بزرگ است) بیرون باشم اگر نسبت یک برادر سنی عالم یا جاهل حیاً و میستاً کینه و عداوت و بدبینی داشته باشم هر گاه در هر کجای عالم فردی از افراد سنی را دیدم همانند یک برادر مسلمان پذیرفتم و در جلب منافع و دفع مضار شریک خود دانستم.

مگر آن افرادی که از نوشته ها و کلمات و گفتارشان معلوم است که از بقایای خوارج و نواصب میباشند و بلباس اهل تسنن بیرون آمده آنها هستند که در هر دوره و زمانی تخم نفاق و دوئیت بین مسلمین بنام شیعه و سنی میاندازند کتابها بر رد شیعه و کفر آنها انتشار میدهند تحریک احساسات شیعیان می نمایند.

قتل عام های شیعیان و فتوی بکشتن اکابر علماء شیعه از آثار و تحریکات وجودی این قبیل افراد است که دل داعی هر گز از آنها پاک نمی شود چه آنکه آنها هستند که آلت دست کفار و بیگانگان هستند و بدستور آنها وسیله تفرقه و جدائی مسلمانان را فراهم

مینمایند. ندای اتحاد میدهند ولی در زیر پرده هدفشان نفاق و دوئیست و ایجاد تفرقه و جدائی بین مسلمانان میباشد.

بر هر مسلمانی لازم است که این قبیل افراد را خواه غالم بلاعمل یا جاهل متہتک در هر مرتبه و مقام باشند از خود دور نمایند تا نفاق مسلمین مبدل با اتحاد گردد.

این قبیل افراد اتباع و پیروان همانهایی هستند که اطراف خلیفه سیم عثمان بن عفان را گرفتند و بنام خلیفه کارها نمودند و خلیفه را وادار بنوشتن نامه ها نمودند تا تحریک احساسات مسلمین گردیده عاقبت بقتل خلیفه عثمان (با آن طرز فجیع) خاتمه پیدا نمود و لطمه بزرگی باسلام وارد آمد که گفتند مسلمین خلیفه خود را کشتند.

و بعد در اطراف معاویه و یزید و بنی امیه بکشتار دسته جمعی عترت و اهل بیت رسالت و شیعیان آنها پرداخته تاریخ مسلمین را لکه دار نمودند !!!

والحال هم هر کجا قدرتی بدست آوردند سعی میکنند در نوشتن کتابها و انتشار مقالات حتی در جرائد و مجلات آتش فتنه را دامن زده و اختلاف در مسلمین افکنده مز کب سواری یگانگان کردند.

آقایان محترم قدری در اطراف حالات (سرجون غلام رومی) مشاور معاویه دقت کنید که چه کسی بوده بعنوان اسیر و غلامی بدستگاه معاویه علیه الهاویه وارد و در جمیع شئون مملکتی مورد شور معاویه قرار میگرفت و رای او را مورد عمل قرار میدادند چنانچه معاویه به یزید پلید وصیت کرد که در مواقع لزوم با سرجون مشورت کن که بسیار عاقل است. فلذا در موضوع حضرت امام اباعبدالله الحسین علیه السلام یزید با او مشورت کرد رای داد که عبید الله را حاکم کوفه نما تا کار را تمام کند مطابق دستور او عبید الله را حاکم کوفه نمود. تافتنه کربلا برپا و سبب قتل عام عترت و اهل بیت رسول الله و اسارت دختران آنحضرت گردید. پس همیشه یگانگان بلباسهای مختلف و صورتهای گوناگون در دستگاههای مسلمین وارد گردیده و زمینه را برای غلبه و استیلای یگانگان فراهم مینمایند.

پس آقایان حاضرین برادران عزیز عراض داعی را یادداشت کنید و بغائبین

مسلمین از شیعه و سنی حتی در ولایات دیگر اعلام نمائید علی رغم یگانگان و ایادی مرموز و بازیگران آنها (گرگان ملبس بلباس میش) از خوارج و نواصب دست اتحاد بهم دهید در مساجد و مجامع یکدیگر با حسن ظن کامل حاضر شوید و با هم مهربان باشید.

برای چند کلمه صحبت های علمی و مناظرات مذهبی از هم دوری ننمائید خدا را گواه میگیرم در تمام ده شبی که با آقایان علماء و فضلاء و سایر برادران اهل تسنن مذاکرات علمی دینی و مناظرات مذهبی داشتیم کوچک ترین سوء نظری بآنها نداشته و الحال هم که بالای منبر نشسته و باین همه جمعیت از برادران سنی خود مینگریم و جوی زیبا و گیرنده می بینم و میل دارم پیوسته با آنها مانوس و صمیمانه اشتغال بامور مذهبی داشته باشم.

آقایان محترم - بزرگان دین و پیشوایان مذهب عترت و اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و علیهم السلام بما غیر از این رفتاری که مسلمین امروز دارند دستور داده اند و خود عمل میکردند.

مخصوصاً در خبر دارد که راوی خدمت امام بحق

ناطق کاشف اسرار حقایق جعفر بن محمد الصادق

علیهما السلام عرض کرد من از مساجد مخالفین

بدم میآید و میل ندارم در آنجاها نماز بگذارم آیا این عمل من بد است یا نیک حضرت

فرمودند مساجد بیوت الله اند مگر نمیدانی ما من مسجد الا وقد بنی علی قبر نبی

او وصی نبی قتل فاصاب تلك البقعة قطرة من دمه فاحب الله ان يذكر فيها

الفرائض و اکثرها فيها من النوافل.

یعنی هیچ مسجدی نیست (بزرگ یا کوچک مسجد شیعه یا سنی) مگر بتحقیق بنا

شده است بر قبر پیغمبری یا وصی پیغمبری که کشته گردیده پس در این بقعه قطره از

خون آن نبی یا وصی رسیده پس بسبب آن خون خدای تعالی دوست داشته اینکه یاد شود

در آن بقاع و مساجد پس آداء نمایند واجبات را و زیاد نمایند در آن مساجد نوافل و

مستحبات را.

وقفاء بزرگ شیعه از این قبیل اخبار استخراج معانی عالیه نمودند که نزدیک

نظر است وقت پیش از این اجازه گفتار نمیدهد عالم علیم و قیہ بزرگ شیعه مرحوم سید مهدی بحر العلوم قدس الله تریته در منظومه قہیبہ فرموده .

والسر فی فضل صلاة المسجد
برقة من دمه المطهرة
قبر المعصوم به مستشهد
طهره الله لعبد ذکرة

خلاصہ بزرگان دین و اهل بیت رسول خدا ﷺ این قسم شیعیان و پیروان خود را تربیت میکردند . ره چنان رو که زهروان رفتند .

آقایان محترم موقع اداء فرائض و نوافل بہر یک از مساجد شیعه و سنی نزدیک بروید بیکدیگر توهین نکنید و بدین نباشید آبادی مرموز و بازیگران یگانه پرست اختلاف مسائل قہیبہ را از قبیل سجده بترت و خاک پاک نمودن یا دست باز و دست بسته نماز خواندن و سایر اختلافات و نظریات فقہاء را مستمسک قرار داده شما را بجان ہم انداخته ایجاد دوئیت و نفاق و بدبینی مینمایند شما ہم علی زغم آنف آنها توجہی بہ اختلافات مسائل قہیبہ ننموده ہر یک راہ خود را بروید ولی با یکدیگر صمیمی و دوست و مہربان باشید .

برادران شیعه و سنی پهلوی یکدیگر با دست باز و دست بسته - با مہر و بی مہر نماز بگذارید - در مساجد و مجامع یکدیگر شرکت کنید - همان قسمی کہ خنقیہا و شافعیہا و مالکیہا و حنبلیہا با اختلافات بسیاری کہ در اصول و فروع احکام دارند برادرانہ زندگی مینمایند .

برادران جمغری راہم در آغوش مہر و محبت خود گرفته - آزادانہ عبادات و عقاید خود را انجام دهید یکدیگر توهین نکنید و با نظر بد و عداوت بیکدیگر ننگردید .

اگر دیدید فردی یا افرادی ملبس بلباس روحانیت یا غیر آن شما برادران شیعه و سنی را بر خلاف این عرایض حقیر تحریک مینمایند - قطع بدانید کہ از آبادی مرموز یگانگان اند کہ میخواهند بوسیله ایجاد نفاق و دوئیت و برادر کشی زمینہ را برای تسلط آنها فراہم نمایند - جداً آنها را طرد و از خود دور گردانید تا سیادت اسلامی را حفظ نمایند .

سعادت و سیادت امت در پیروی
علی بن ابیطالب است
آقایان محترم برادران شیعه و سنی بہترین راہ
برای جاو گیری از نفاق و دوئیت و تفرقہ پیروی
نمودن از رویہ و رفتار مولای متقیان و امیر مؤمنان

علی بن ابیطالب علیہ الصلاۃ والسلام میباید .

ہر یک عقاید عقلانی را محکم نگاہدارید و باہم ائتلاف کنید و اتحاد نمایند تا شق عصای مسلمین نکرده .

چنانچہ مولای ہمہ ما امیر المؤمنین علیہ السلام با آنکہ خود را بحق بمقام خلافت میدانست چنانچہ در اول خطبہ ششقیہ فرموده اما واللہ لقد تقمصها فلان و انا لیعلم ان محلی منها محل القطب من الریح . الخ

ولی وقتی از تفسیل و تکفین رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم بر حسب وصیت آن حضرت کہ اوجب از ہر واجبی بود در آنوقت فارغ شد از فتنہ سقیفہ با خبر و خود را در مقابل فرقہ ای از مخالفین مشاہدہ نمود .

ہمین کہ آن دستہ بندیہای (سیاسی) را دید با آنکہ احدی در امت نصوص وارده از رسول خدا را جلیلاً و خفیاً مانند آن حضرت نداشت و کبار از صحابہ و بنی ہاشم اطراف آن حضرت بودند بنی امیہ ہم بقیادت امی سفیان (برای رسیدن بمقاصد خودشان) آنحضرت را تحریک بقیام می نمودند ولی چون منبع قوہ عاقلہ بود تأمل و تفکر نمود کہ اگر در مقابل آن دستہ بندیہا قیام نماید و در مقام مطالبہ حق ثابت خود بر آید قطعاً دودستگی در اسلام پدید آید .

و در اثر اختلاف کلمہ و تفرقہ مسلمین اعادی اسلام کہ سالہا است عقب فرصت میگردند غالب آمدہ و اصل دین از میان میروند و مسلمانان قریب الہمد بکفر از اسلام منحرف کردند .

لذا صلاح را در تہتر و تحمل و شکیبائی دید با تمام سختیہا ساخت و بردباری نمود چنانچہ فرمود صبرت و فی العین لذی و فی الحلق شجی .

با مخالفین خود مبارزہ ننمود چون دید اول اسلام است چنگ داخلی تولید تفرقہ

مینماید و تفرقه باعث محو اسلام میگردد (چنانچه در لیالی ماضیه و مجلس مذاکرات خصوصی مبسوطاً ذکر ادرله نمودیم).

فعلیهدا با مخالفین خود مماشات نمود با آنکه بر عقیده خود ثابت بود ولی برای استحکام اساس اسلام به مسجد و نماز جماعت حاضر میشد تا فرصت بدست اعدای منتظر الفرصه ندهد و جلو گیری از تفرقه نماید.

چنانکه مکرر میفرمود و ایم الله لولا مخافة الفرقه من المسلمین ان يعودوا الی الکفر قد غیرنا ذلك ما استطعنا و در جای دیگر میفرمود فرأیت ان الصبر علی ذلك أفضل من تفریق کلمة المسلمین و سفک دماءهم یعنی بخدا قسم اگر نمی ترسیدم از تفرقه بعض مسلمین که بر کردند بسوی کفر- و دین اسلام محو گردد هر آینه قیام بحق مینمودم و این اوضاع را تغییر میدادیم ولیکن دیدم صبر و تحمل بهتر است از تفرقه مسلمانان و ریختن خون آنها لذا صبر را پیشه نمودم (تا اسلام را حفظ نمایم). (۱)

بهین طریق شیعیان و پیروان خودش را که کبار از صحابه بودند دستور داد مخالفت نمایند.

قط همان روز های اول مناظراتی برای اثبات حقانیت خود نمودند ولی بعد ها از جهت احتراز از دوئیت و اختلاف در تمام ادوار خلافت خلفاء از طرف آنحضرت و شیعیانش کوچکترین عمل تظاهر که موجب اختلاف علنی گردد بر خلاف خلفاء واقع نشد.

برای حفظ حوزه اسلام و تقویت مسلمین که سنگ تفرقه و جدائی بین مسلمانان نیفتد کاملاً مماشات نمودند.

جامعه مسلمانان امروز هم که روز غربت اسلام است باید از عناد و لجاج و تمصبات جاهلانه بر کنار باشند.

(۱) مراجعه شود به ص ۸۳۹ تا ۸۴۳ همین کتاب.

در عین آنکه حقانیت ما با دلائل عقل و نقل و کتاب سنت ثابت است چنانچه در لیالی ماضیه بیعض از آن دلائل اشاره نمودیم.

ولی نمیتوانیم انکار نمائیم وقایع جاریه بعد از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله را که بر حسب ظاهر ای بکر و عمر و عثمان و علی امیر المؤمنین مسند نشین خلافت شدند و در آن سی سال (همان قسمی که پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر داده بود) خدمات بزرگی باسلام شد و پرچم توحید در سراسر جهان باهتر از در آمد.

همان قسمی که مولای ما امیر مؤمنان علیه الصلاة والسلام با آنکه دلائل حقانیت خود را پیوسته بیان میفرمود و خود را اولی و احق بمقام خلافت میدانست برای حفظ ظاهر اسلام و جلو گیری از تفرقه و تشتت بمسجد و نماز و شور و مشورت و حل معضلات حاضر میشد فرزندان و شیعیان را بکار و خدمت میکماشت ، ما و شما هم بایستی تبعیت نموده از تفرقه مسلمانان جلو گیری نمائیم آیادی مرموز و فتنه جوها و دو بهم زنهارا که میکربهای خانه خراب کن جامعه میباشند از خود دور نموده تا فرصت بدست اعدای و بیگانگان نیفتد که اساس اسلام را از هم پاشیده و مسلمین را زبون نمایند.

اثبات حقانیت و ابراز دلائل را نتوان دلیل بر محاصمه قرار داد ماده شب با دلائل عقلیه و براهین نقلیه اثبات مرام و اظهار حق نمودیم باز هم مینمائیم.

ولی الحال هم بالای منبر میگویم چنانچه مولای ما وقتی در مقابل امر واقعهشده قرار گرفت برای جلو گیری از فتنه و فساد و اختلاف کلمه صبر و تحمل نمود و در مقام مخالفت بر نیامد ما هم چون در مقابل امر تاریخ واقع شده قرار گرفته ایم با اقرار با آنچه تاریخ بما نشان میدهد که ای بکر و عمر و عثمان و امیر مؤمنان هر يك بعد از دیگری ظاهراً (ولو بهر طریقی بوده) مسند نشین خلافت بودند با یکدیگر ائتلاف نموده آقایان سنی ها علی رغم خوارج و نواصب و آیادی مرموز بیگانگان و مقتنین و دو بهم زنهارا بمساجد و امام باره های شیعیان - و شیعیان بمساجد و مجامع آنها بروید تشکیل اتحادیه قوی بنهید با کینه و عداوت بهم ننگردید برادرانه طرق و راههای

اعادی را مسدود نمائید نگذارید نقطه ضعفی پیدا نموده رخنه در اتحادیه شماها بنمایند .
تا بوسیله این اتحاد ضعف و سستی که امروزه در عالم اسلام پیدا شده تقویت
گردد در مرتبه اول علماء و سران قوم بعد تمامی افراد شیعه و سنی باید از خود
کنشگی بخرج داده مسئولیت این امر بزرگ را بر عهده گرفته و پراکندگی را بر
طرف کنند .

امروز روز بزرگی است عید سعید میلاد سر سلسله مجاهدین عالم است که آن
شخصیت بزرگ اسلامی در سنه شصت و یکم هجری در زمین کربلا اتحادیه بزرگی
تشکیل داد که با هفتاد و دو یک دل در مقابل دشمنان عالم توحید صف آرائی
نمود (ولو ظاهراً مغلوب شد) ولی همان اتحاد و شهامت و شجاعت و از خود کنشگی
هفتاد و دو نفر انصار الله به پیشوائی سبط اعظم رسول الله ﷺ و امام سیم حضرت ابا
عبدالله الحسین ارواحنا فداه سبب اعلای کلمه توحید و ریشه کن شدن اعدای دین مبین
گردید .

آقایان محترم برادران عزیز از قراریکه میشنوم مجالس مباحثات علمی و مذاکرات
منهجمی بین دو دسته برادران مسلمان وقت بدست اعدای داده برای تولید نفاق بین برادران
اسلامی تحریکاتی مینمایند .

ممکن است این تحریکات در برادران جوان متمصب ما اثرات نامطلوبی بخشد
و نتایج وخیمی بر له دشمنان نصیب ما گردد .

پس بیدار شوید فریب نخورید بدانید نفاق و بدبینی مسلمانان یکدیگر باعث
مسرت و تقویت دشمنان اسلام و مسلمین میگردد .

در خاتمه عرایض اولاً از آقایان برادران مسلمان حاضر (شیعه و سنی) تقاضا
میکنم علی رغم اعدای چون روز عید است از منبر که بزرگ آمدم برادرانه همگی
یکدیگر را در آغوش محبت بگیریید مطابق دستور شرع انور مصافحه و معانقه نمائید
دست هم را صمیمانه فشار دهید اظهار و داد و اتحاد نمائید چنانچه ندای نکرده در
دل کنورتی از هم دارید برای رضای خدا و حفظ وحدت و عظمت اسلام رفع نمائید

خود داعی هم در خدمتگزاری همگی بیجان و دل حاضر میباشم .
ثالثاً موقع ظهر است تا بمسجد برویم فضیلت نماز اول وقت ممکن است از دست
برود مقتضی است در همین امام باره نماز جماعت برقرار نمائید .

بحمدالله علماء فریقین (شیعه و سنی) حاضرند هر یک از برادران شیعه و سنی را مقدم
داشتید داعی هم اقتداء میکنم تادر کمک کردن بعالم اتحاد و اسلام در تزد خداوند متعال
و صاحب شریعت جد بزرگوارم ماجور باشم .

و نیز دشمنان بفهمندین برادران شیعه و سنی ابداً نفاق و دوئیت و بدبینی نمیباشد
همگی متفقاً برای مقابله با کفار حاضر بجانبازی هستیم .

ثالثاً چون اخوان معظم ما در فحل بزرگ علم و دانش جنابان حافظ محمد رشید و
شیخ عبدالسلام مہمانان عزیز شب گذشته تودیع نموده و عازم وطن خود هستند .

داعی هم حاضر و عازم حرکت بسمت ارض اقدس و مشهد مقدس مولانا ابوالحسن
علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه و علی آباءه و اولاده ائمه الهدی میباشم از جمیع برادران
عزیز محترم مخصوصاً آقایان قزلباشها که منتها درجه محبت را ابراز نمودند تودیع
نموده سلامت و عزت و توفیق و اتحاد و یگانگی را برای همگی برادران شیعه و سنی از
از خداوند متعال بوسیله عترت و اهل بیت طهارت خواهانم .

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته